

حقوق زن

در اندیشه های مرجعیت

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی

تهیه و تدوین

موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۵	زن در گذرگاه تاریخ
۵	پیش از اسلام
۸	پس از اسلام
۹	حق بهره مندی از کمال انسانی
۱۰	حقوق اقتصادی زنان
۱۲	توجه به استعداد و شخصیت زن
۱۲	حضور زنان در جامعه
۱۵	زن در قرآن
۱۸	زن در روایات
۲۲	خطر سقوط و انحراف زن و مرد
۲۲	کرامت انسان اعم از مرد و زن
۲۳	مسئولیت متقابل میان زن و مرد
۲۳	برابری زن با مرد در تحصیل کمال و پاداش
۲۴	عقل مداری یکسان
۲۵	برابری زن با مرد در حقوق
۳۰	حقوق و وظایف زن در اسلام
۳۰	حقوق اجتماعی، سیاسی زن
۳۳	راز جاودانگی زینب (س)
۳۴	حجاب و زنان
۳۷	فلسفه حجاب
۳۸	تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد

۳۹.....	حکمت برخی از تفاوت ها در نظام حقوقی اسلام.....
۴۶.....	مرجعیت و زنان.....
۴۷.....	نصایح.....

مقدمه

عدالت آرمان گم گشته انسان است که همیشه در پی آن بود و خواهد بود؛ در طول تاریخ برای تحقق آن در همه زمینه‌ها از جمله روابط زنان و مردان تلاش‌های فراوانی صورت پذیرفته که به حق شایسته تقدیر و تکریم است. یکی از موضوعاتی که همیشه جوامع را درگیر خود کرده است چه از لحاظ نظری و چه عملی بحث حقوق زنان است، اهمیت این تلاش‌ها زمانی عیان‌تر خواهد بود که منصفانه رفتار جوامع با زنان به قضایت نهاده شود؛ امری که مجالی در خور می‌طلبد. احکام و قوانینی که از سوی خداوند برای بشریت وضع شده است مطابق نظام تکوین و حقایق جهان هستی و ساختار وجودی انسان است. از آنجا که ساختار وجود جسمی و روحی زن با مرد متفاوت است، وظایف، تکالیف و احکام این دو نیز مساوی نیست. و این تفاوت‌ها را نباید تبعیض قلمداد نمود. این نوشتار حاصل برداشت‌های آزاد از نگاه و اندیشه‌های حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظله در مورد حقوق زنان است. معظم له سخنرانی‌های متعددی در خصوص زن و حقوق او ایراد فرمودند که محققان موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور با مراجعه به سخنرانی‌های ایشان نکات متفاوتی را استخراج کرده‌اند و آن‌ها را از صورت گفتاری با توجه به قلمرو اندیشه ایشان به صورت نوشتاری در آورده‌اند؛ هر چند باید گفت که برخی مطالب نظری مسائل تاریخی به جهت تکمیل این سیاهه از منابع دیگر استفاده شده است و نمی‌توان آنها را به ایشان منتبه نمود. در ادامه نام سخنرانی‌های و پیام‌های ایشان در این موضوع آورده می‌شود تا خوانندگان گرامی در صورت تمایل می‌توانند با مراجعه به اصل مطالب استفاده‌های مورد نیاز را داشته باشند.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوْا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا - السیده الزهراء (ع) وإقامه حكم الله تعالى - سِرُّ الْخُلُودِ
الرَّبِّيْنِيِّ - إِيَّاهَاتُ الْقُرْآنِ لِمَعَانِي الشَّبَابِ وَالإِسْتِقَامَةِ - الْقَوَاعِدُ الْقُرُّآئِيَّةُ لِخَلَقِ الْحَافِرِ لَدَى الشَّبَابِ - جواب
المُعْتَرِضِينَ عَلَى الْقَانُونِ الْجَعْفِرِيِّ - دور المرأة في بناء العراق الجديد - الأربعون حدیثاً فی قضایا المرأة -
فلسفه تشريعات المرأة - فقه المرأة المسلم - الحوزة و قضایا الشباب - سلسلة نحو مجتمع نظيف -
سلسلة ظواهر اجتماعية منحرفة - فقه الجامعات - فقه العائلة - سلسلة خطاب المرحله)

در پایان خاطر نشان می‌شود که هر تولید بشری خالی از نقص نیست و نقص و کمبودهای نوشتار پیش رو بدون شک از ناحیه ما خواهد بود و امیدواریم که خوانندگان محترم این کمبودها را بر ما ببخشند.

موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

زن در گذرگاه تاریخ

زنان همواره به علل گوناگون در جوامع مختلف مورد ستم واقع شده‌اند اما ادعای برتری مرد نسبت به زن و عدم رعایت حقوق او در دین اسلام ادعای بی‌پایه و سست می‌نماید. این مباحث اکثراً یا حاصل نگاه‌های فمینیستی است یا رد پای نگرش‌های ضد زنانه در آن دیده می‌شود. کسانی که زن و مرد را بشناسند و تفاوت‌های موجود در استعداد، شخصیت و خلفت آن‌ها را دریابند به خوبی می‌دانند که این اختلاف‌ها به معنای نابرابری نیست و هر کدام آیه‌ای از آیات قدرت الهی است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تکیه بر وحی، دینی را برای بشر به ارمغان آورده که زن در آن به اندازه مرد، دارای احترام و منزلت است. حقوق و تکالیف زن و مرد در دین اسلام بر پایه‌ی اشتراکات و تفاوت‌های فطری و تکوینی و با هدف تنظیم حکیمانه‌ی روابط اجتماعی صورت‌بندی شده است.

پیش از اسلام

زن، تاریخ پر درد و رنجی را پشت سر گذاشته و در دوره‌هایی از تاریخ، زن با رفتارهای بسیار بد مردان و حتی فرزندان پسر مواجه می‌شد و مردان از موضع قدرت و زور با آنها تعامل می‌کردند با او به مثابه کالایی قابل معامله و یا در حد یک حیوان یا بردۀ رفتار می‌شد.

برای نمونه، زن در دوره بربریت، آنچنان زندگی مظلومانه‌ای داشته است که از عنوان انسان بودن خارج و در ردیف چارپایان و غلامان شمرده می‌شد. در این دوره زنان حق غذا خوردن یا حتی حق سکونت با شوهران را در یک جایگاه نداشتند و با کوچک‌ترین بهانه زیر ضربه‌های طاقت فرسای شلاق شوهران قرار می‌گرفتند.

در یونان، شخصیت زن در حد یک حیوان تنزل یافته بود، به گونه‌ای که شوهر می‌توانست زن خود را همچون یک حیوان، به عنوان قرض یا کرایه یا هبه، در اختیار دیگری قرار بدهد یا همچون کالایی بی‌ارزش در بازار برای خرید و فروش عرضه و گاهی به عنوان وصیت به دیگران واگذار نماید.

در روم قدیم نیز زن موجودی ناقص و بدون فضیلت دانسته می شد. پدران حق تام برای خود قائل بودند و هنگام ازدواج، اختیارات خود را در قبال مبلغی، با شوهر دخترشان معامله می کردند؛ به همین جهت شوهر می توانست او را به دیگری بفروشد.

در استرالیا، زنان همچون حیوانات اهلی محسوب می شدند که فقط برای دفع شهوت و تولید نسل به کار گرفته می شدند و هنگام قحطی آنان را می کشتند و از گوشت آنان استفاده می کردند. در آفریقا، سنگین ترین کارها، از قبیل ساختن عمارت‌ها، پاشیدن بذر، کشاورزی و آبیاری به عهده زنان بود. و مردان حاضر نبودند که حتی کوچک ترین کمک را به زنان نمایند.

در هند، زندگی زن تابع شوهر بود و بعد از مردن شوهر با جسد او سوزانده می شد و یا خوار و زبون زندگی می کرد و دیگر نمی توانست شوهر کند.

در قرن پنجم و ششم میلادی میان پیشوایان مذهبی پیروان حضرت مسیح اختلاف بود که: آیا زن دارای نفس ناطقه و جزء انسان است یا نه؟ برای رفع این مشاجره در سال (۵۷۶م) در ماکون، مجمعی مرکب از کشیشان بزرگ تشکیل گردید و پس از مدت‌ها گفت و گو رأی انجمن بر این قرار گرفت که زنان، جزء انسان می باشند، ولی تنها برای خدمت به مردان آفریده شده‌اند.

در دوره جاهلیت اعراب، کرامت و شخصیت زن به وحشتناک ترین صورت لگدمال می شد تا آنجا که برخی دختران نوزاد را زنده زنده در زیر خروار‌ها خاک دفن می کردند و در بعضی قبیله‌ها دختران نوزاد را سر می بردند و در برخی دیگر از بالای قله کوه پرتاب می کردند و بعضی قبایل هم آنان را در آب غرق می نمودند. عرب جاهلی به دنیا آمدن دختران را شوم و مایه ننگ می دانستند و آن را از دوستان مخفی می کردند؛ گویا خانواده دختر جرمی مرتكب شده است.

به عنوان نمونه رفتار قيس بن عاصم که در تاریخ ثبت شد.

از جمله نقل کرده اند مردی خدمت پیامبر آمد، اسلام آورد، اسلامی راستین؛ روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و سوال کرد آیا اگر گناه بزرگی کرده باشم توبه من پذیرفته می شود، فرمود: خداوند تواب و رحیم است، عرض کرد: ای رسول خد! گناه من بسیار عظیم است، فرمود: وای بر تو هر قدر گناه تو بزرگ باشد، عفو خدا از آن بزرگ تر است.

عرض کرد اکنون که چنین می گویی بدان: من در جاهلیت به سفر دوری رفته بودم ، در حالی
که همسرم باردار بود، پس از چهار سال بازگشتم، همسرم به استقبال من آمد، نگاه کردم
دخترکی در خانه دیدم، پرسیدم دختر کیست؟ گفت دختر برادر من است!

من فکر کردم ساعتی بعد به خانه خود می رود اما با تعجب دیدم نرفت، غافل از این که او
دختر من است و مادرش این واقعیت را مکثوم می دارد، مبادا به دست من کشته شود.
سرانجام خانم حقیقت امر را برایم بیان کرد و گفت: به خاطر داری هنگامی که به سفر رفتی
باردار بودم، این نتیجه همان حمل است و دختر تو است !

آن شب را با کمال ناراحتی خوابیدم، گاهی به خواب می رفتم و گاهی بیدار می شدم، صبح
نزدیک شده بود، از بستر برخاستم و کنار بستر دخترک رفتم در کنار مادرش به خواب رفته
بود، او را بیرون کشیدم و بیدارش کردم و گفتم همراه من بیا، او به دنبال من حرکت می کرد
تا اینکه از خانه دور شدیم، من شروع به کندن زمین کردم و او به من کمک می کرد که خاک
را بیرون آورم، هنگامی که حفره تمام شد من زیر بغل او را گرفتم و در وسط حفره افکندم
..... در این هنگام هر دو چشم پیامبر پر از اشک شد سپس دست چشم را به کتف او
گذاشتم که بیرون نیاید و با دست راست خاک بر او می افشاردم! و او پیوسته دست و پا می
زد و مظلومانه فریاد می کشید پدر جان! چه با من می کنی؟ در این هنگام، مقداری خاک بر
روی ریش های من ریخت او دستش را دراز کرد و خاک را از صورت من پاک نمود، ولی
من همچنان قساوتمندانه خاک بر روی او می ریختم تا آخرین ناله هایش در زیر قشر عظیمی
از خاک محو شد!

به همین منظور آیاتی چند از قران کریم مثل آیه ۱۴۰ و ۱۳۷ سوره انعام در نکوهش رفتاری
غیرانسانی آنان نازل شده است: (قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أُولَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) «البته آنان که
فرزندان خود را به سفاحت و نادانی کشتنند زیانکارند.» (وَ كَذِلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ
أُولُادِهِمْ) «و این گونه در نظر بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] بتهاشان کشتن فرزندانشان را
برای آنها نیکو جلوه داد.»

در مقابل نیز ماجراهایی نقل شده است مانند ماجرای «صعصعه بن ناجیه» که اغلب مورخین حکایتش را آورده اند، وی در حالی که اسلام آورده بود، خدمت رسول صلی الله علیه و آلہ رسید و گفت: در جاهلیت عملی انجام داده ام؛ آیا به حال من سودی دارد؟ حضرت فرمود: عمل تو چیست؟ جواب داد: روزی دو شتر آبستن از من گم شد؛ بر شتری سوار شده، و به جست وجو پرداختم، از مردی که در کنار خیمه ای نشسته بود از شترانم جویا شدم. از من پرسید: داغ و نشانشان چیست؟ داغ مخصوص قبیلگی خودمان را گفت. گفت: دو شتر را یافته و اینک نزد من است. در همین حال پیرزنی از عقب خیمه در آمد؛ آن مرد از او پرسید: چه زائد؟ بدون آنکه متوجه جواب بماند، ادامه داد: اگر پسر باشد که با ما شریک مال و زندگی و وارث ما خواهد شد؛ و اگر دختر باشد، که به خاکش می سپاریم.

پیرزن جواب داد: دختر است.

صعصعه ادامه داد: ای رسول خدا! نمی دانم چه انقلابی در من پدید آمد که بی اختیار به آن مرد گفتم: آیا این دختر نوزاد را می فروشی؟ گفت: هرگز شنیده ای عرب بچه فروش باشد؟ گفت: نفروش؛ بلکه در مقابل احسان و بخششی، او را به من ببخش. گفت: حاضرم به همان دو شتر و شتری که بر آن سواری مبادله کنم. راضی شدم؛ شترها را داده، و دختر را گرفته، و به دایه ای سپردم. از آن پس این روش را ترک نکردم؛ و تا کنون دویست و هشتاد دختر را با بهای هر یک به سه شتر از مرگ نجات دادم. حضرت پاسخ داد: این کار تو بابی از نیکی برایت بوده، و از جانب خداوند نیز أجر خواهی داشت؛ چون به شرف اسلامی نیز توفیق یافته».

پس از اسلام

با ظهور اسلام، زندگی زن وارد مرحله جدیدی گردید و در اثر تعلیمات احکام اسلام، زن از کلیه حقوق فردی و اجتماعی خود برخوردار شد و در نظام حقوقی اسلام برای هر یک از

مرد و زن مطابق و ظایف طبیعی شان در اجتماع، حقوقی تعیین گردید. با ظهور این دین و با تعالیم بلند وحیانی و تلاش‌های طاقت‌فرسای پیامبر مکرم و ائمه اطهار علیهم السلام آرام آرام ضدیت‌ها، نگرش‌های منفی و تحقیرهایی که نسبت به شخصیت زن روا داشته می‌شد، به پایان رسید و احترام و حقوق کامل به زنان و شخصیت آن‌ها بازگشت.

از آنجا که امروزه بحث زن و حقوق او از مباحث مهم اجتماعی است و پرسش‌های جدیدی فرا روی اندیشه دینی و جایگاه زن در اسلام به وجود آورده است. سعی می‌شود، با استفاده از ادله عقلی و نقلی، بحث زن در نظام حقوقی اسلام را به طور اجمالی بررسی کنیم. اسلام شخصیت زن را محترم شمرد و او را مظہر جمال خداوند معرفی کرد. زن در ذهن، زبان و رفتار پیشوایان دینی جایگاهی ارزنده و ارجمند یافت. و حقوق انسانی او را به رسمیت شناخت و بر آن پای فشرد. در نظام انسان‌شناسی اسلام زن و مرد شخصیتی یکسان دارند و هیچ تفاوت ارزشی میان آن‌ها وجود ندارد. آری! از آنجا که زن و مرد با وجود اشتراکات فروان در ابعاد مختلف، تفاوت‌های غیرقابل انکاری هم دارند، نظام حقوقی اسلام با در نظر گرفتن اشتراکات و تفاوت‌ها، حقوقی مساوی اما غیر مشابه برای آنان در نظر گرفته است. در این نوشتار به برخی از این حقوق به تناسب مطالب، مورد بحث قرار می‌دهیم.

در ذیل به برخی از حقوق اشاره می‌شود.

حق بهره مندی از کمال انسانی

در نگاه اسلام ملاک برتری انسان‌ها نه جنسیت، نه ثروت و نه مقام آن‌ها، بلکه تقوّا و ارزش‌های اخلاقی است. قرآن کریم می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارِفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أُتْقَاَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)^۱ «ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسیم. گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست!»

حق رسیدن به کمال انسانی و تحصیل فضیلت‌های الاهی برای زن به مانند مرد در دین اسلام ثابت شده است. در زمینه‌ی هدایت تشریعی خداوند، هر کس چه زن و چه مرد، می‌تواند به هر اندازه که می‌خواهد از بهره برده و راه سعادت و کمال را بپیماید: (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)^۲ «ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس!» پس اختلاف در جنسیت نمی‌تواند مانع برای تکامل باشد.

^۱- سوره حجرات آیه ۱۳.

^۲- سوره انسان آیه ۳.

می توان علمآموزی را یکی از مصادیق آن بشمار آورد که نه تنها حق بلکه تکلیفی برای زن و مرد است و آن را به شکل‌های گوناگون سفارش کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: فراغیری علم بر هر مسلمانی (مرد و زن) واجب است.»

حقوق اقتصادی زنان

در زمانه‌ای که زن از همه‌ی حقوق انسانی خویش، از جمله حقوق اقتصادی، محروم بود و حق هیچگونه تصرف در آنچه به دست می‌آورد، نداشت، اسلام حقوق اقتصادی و مالی او را به رسمیت شناخت و مالک اموال خود معرفی کرد. محرومیت زنان از حقوق اقتصادی در همه‌جای جهان رایج بود. اسلام، دینی که معاندان و جاهلان آن را متهم به از بین بردن حقوق زنان می‌کنند، هزار سال پیش، حق مالکیت را برای زنان به رسمیت شناخته است؛ و انگیزه چنین امری تأمین کرامت انسانی و احترام به زن بود. خداوند متعال با صراحة می فرماید: «برای مردان بهره‌ای است از آنچه به دست می‌آورند و برای زنان بهره‌ای است از آنچه به دست می‌آورند». همچنین برای آنان با توجه به حکمت‌ها و مصلحت‌ها در چهار چوب شریعت، حق ارث معین شده است: «و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث [می‌گذارند، سهمی است].»

نکته اصلی در وضع قوانین شرعی این است که خلقت، ظرفیت و استعداد افراد مورد توجه قرار می‌گیرد و حقوق و تکالیف آن‌ها بنابر استعدادشان وضع می‌شود. پس برتری روحی مردان بر زنان به عنوان یک امتیاز ارزشی، به تفاوت‌های جسمی و روحی و کارکردهای اختصاصی زن و مرد بستگی ندارد؛ بلکه براساس ایمان و عمل که جامع آن‌ها تقوی است، مشخص می‌شود.

نکته مهم‌تر این است که تساوی، همیشه به معنای تشابه نیست. قرآن کریم می فرماید: «شما را از نفس واحد آفریدیم». رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مردم – اعم از زن و مرد – مانند دندانه‌های شانه با هم برابرند»؛ اما لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صدرصد آن‌ها در حقوق و تکالیف نیست. زن و مرد در حقوق عمومی و حقوق انسانی، برابرند؛ اما آیا با توجه به تفاوت‌های موجود و غیرقابل انکار و غیرقابل زوال، نباید هیچگونه تقسیم کار و وظیفه و اختصاص کارکرده در میان باشد؟! تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکتواختی! اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی و ارزشی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست؛ اما با توجه به تلازم حق و تکلیف، ممکن است به دلیل

تکالیف بیشتری که بر عهده مردان گذاشته است، اختیارات بیشتری نیز برای آنان قائل شده باشد. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ اما با تشابه و یکنواختی حقوق آنها مخالف است.

در اسلام، تساوی ارزشی بین زن و مرد و نیز یکسان بودن راه ترقی برای آن دو، یک اصل اساسی است و جزو اصول مسلم دینی به حساب می‌آید. در این مورد می‌توان به آیات ذیل استناد نمود: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات: ۳)؛ «انی لا أُضيع عمَلِ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكْرِ وَانْثِي» (آل عمران: ۱۹۵)؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكْرٍ وَانْثِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنْ يُحِينَهُ حِيَاةً طَيِّبَةً وَلَنْ يُجزِيَنَّهُمْ أَجْرُهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۹۰)؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكْرٍ أَوْ انْثِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء: ۳۷) آیات مذبور بیان‌گر تساوی حقوق زن و مرد است. در این آیات مرد و زن باهم ذکر شده، اما این دو موجود از نظر طبیعی و جسمی تفاوت‌هایی باهم دارند. این تفاوت‌ها اقتضای تقسیم مسؤولیت‌ها و تربیت نظام‌های اجتماعی را طلب می‌کند. «تبیيض» هنگامی تحقق می‌یابد که در صورت تساوی توانایی‌ها واستعدادها، یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. لحاظ نکردن توانایی و استعداد و چشم‌پوشی از نوع مسؤولیت، موجب تبعیض می‌شود. زن و مرد مکمل یکدیگر و همانند لباس، جبران‌کننده کمبود و مایه آرامش هم می‌باشند. یکی از ستم‌هایی که بر زن روا داشته می‌شود، این است که از زن بخواهیم مسؤولیتی را پیذیرد که با خلقت طبیعی او سازگار نیست.

وجود برخی از تفاوت‌ها و توجه به آنها در وضع حقوق و تکالیف، عین عدالت است نه ظلم به زنان. مقتضای عدالت این نیست که حقوق زن و مرد کاملاً یکسان و مشابه باشد، بلکه این ظلم به زن و مرد و نادیده گرفتن توانایی‌ها، تفاوت‌ها و ویژگی‌های تکوینی آنان است. نباید هر نوع تفاوتی را تبعیض دانست و تساوی و برابری زن و مرد در حقوق و تکالیف را به معنای تشابه و یکسانی کامل زن و مرد در حقوق و تکالیف معنا کرد، بلکه تساوی به این معناست که هر یک از زن و مرد از حقوق و تکالیف مناسب با ویژگی‌های تکوینی شان برخوردار شوند و چیزی بر آنان تحمیل نگردد. کارکردهای متفاوت زن و مرد و نقش تکمیلی

آن دو برای یکدیگر و ایجاد توازن و تعادل در نظام هستی، تفاوت‌های زن و مرد در برخی از حقوق و تکالیف را ضروری می‌سازد و این عین عدالت است نه ظلم و تبعیض تا سعی در زدودن و از بین بردن آن شود

توجه به استعداد و شخصیت زن

کسی نمی‌تواند تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را منکر شود و اختلاف غراییز و نمایلات و استعدادهای آنها را انکار کند.

اسلام به این تفاوت‌ها با دقت توجه کرده و قوانین و احکام خود را برای زن و مرد با عنایت به استعدادهایشان وضع نموده است. هماهنگی بین قوانین و حقوق از یک سو، و ظرفیت و استعداد بشر چه مرد و چه زن، از سوی دیگر از نگاههای دقیقی است که دین اسلام بکار برده است. از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزء‌بینی و یک سونگری پرهیز کنیم و به آنها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هریک از زن و مرد شناخته شود. در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود.

حضور زنان در جامعه

سلام حضور زن در جامعه و پرداختن به امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را جایز می‌داند؛ هرچند این امر را مشروط به حفظ عفت می‌کند. البته این شرط نیز احترام به شخصیت زن است و محدودیتی به همراه نمی‌آورد. ذکر چند نمونه تاریخی از صدر اسلام می‌تواند این ادعا را اثبات کند مانند آنجا که رسول اکرم (ص) در مواجهه با رفتار برخی از مسلمانان که مانع خروج زنان از منزل می‌شدند فرمود: (انه لقد اذن لکن ان تخرجن لحوائجکن)^۱ «همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوايج خود از خانه خارج شوید». یا در بیعت زنان با پیامبر (ص) بعد از فتح مکه، و نیز شرکت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در تشییع جنازه بعضی مسلمانان و عدم مخالفت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، همچنین می

^۱- الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، به نقل از بخاری.

توان به حضور پررنگ حضرت زینب سلام الله علیها در دفاع از حریم ولایت و روشنگری‌های تاریخی آن
بانو در این خصوص اشاره کرد.

بلکه می‌بینیم که در سیره انبیاء گذشته نظیر حضرت موسی (ع) و اثر گذاری او بر آسمیه همسر فرعون و
تاشری پذیری او و دادن حق انتخاب برای تعیین سرنوشت خو با اینکه هزینه‌های زیادی را در را متحمل شد
اما انتخاب درست او باعث شد در تارخ نام او زنده بماند واکنش بی‌نظیر او، هر انسانی را مبهوت میکند او
همسر فرعون، زن اول امپراطوری فرعونی که همه خواسته‌های خود را بدون هیچ مانعی برآورده می‌
ساخت، جایگاه ویژه در نزد فرعون، غرق در امکانات و نعمت‌های فراوان که هیچ زنی در خواب آنها را
نمی‌بیند. علیرغم جایگاه بلند در کاخ فرعون و غرق بودن در امکانات رفاهی، با این وجود از همه آنها را
دست کشید و همینکه ندای دعوت به خداوند متعال را از حضرت موسی (ع) شنید در میان پیروان او قرار
گرفت.

و در آن جایگاه بلند که قرآن به برخی از جوانب آن اشاره کرده است که از جانب فرعون می‌
فرماید: (وَنَادَىٰ فِرْعَوْنٌ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمَ الْيَسَرِ لِي مُلْكٌ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي
أَفَلَا تُبَصِّرُونَ) (فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أُسْوَرَةً مِنْ ذَهَبٍ)^۱. و همچنین در نهایت طغيان و جبروت بود
به طوريکه شجاع ترین افراد در مقابل او ذليل می‌شدند.

با آن وجود این زن از همه آن نعمت‌ها دست می‌کشد و در مقابل همه کفر و طغيان می‌
ایستد و از ايمان آوران به حضرت موسی (ع) می‌شود.

همینکه دعوت او به سوی خداوند متعال را می‌شنود و معجزه‌های او در مقابل ساحران را
می‌بیند و شناخت او از راستگویی و صداقت و استقامت و اخلاق والای موسی (ع) را از
هنگامیکه مادرش او را در صندوقی در رود انداخت و فرعون او را از آب گرفت آسمیه از او
خواست که او را زنده نگهدارد (وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنَ لَىٰ وَلَكَ لَا تَقْتُلُهُ عَسَىٰ أَنْ
يَنْفَعَنَا أُو نَتَخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ)^۲ او را به سرپرستی قبول کرده بود، به او ايمان آورد.

^۱- سوره زخرف آيه ۵۱-۵۳.

^۲- سوره قصص آيه ۹.

دعایی که حضرت آسمیه کرد نشان از کمال معرفت و بلندای شخصیت او دارد، او تمام هدف در زندگی خود را در این دعا خلاصه کرد. دعای خود را اینگونه شروع کرد: (پروردگارا) تا اعتراضی باشد در پیشگاه خداوند تا آن را برای او دائمی گردد.

از خداوند خواست که او را از حیله‌ها و فشارها و فتنه‌های فرعون نجات دهد تا جزیی از دستگاه فاسد فرعون نباشد (قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أُكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ)^۱ او از کفر و عملکرد شیطانی فرعون و تمام جامعه فرعونی که غرق در کفر و معصیت بود برایت جست. با تمام وجود رو به خداوند کرد و از تمام نعمت‌های موجود در کاخ فرعون که ما فوق تصور است رویگرداند.

اما او با بصیرت کامل دانست که این متاع دنیوی پایدار نیست و به درخواست خانه بهشتی در مقابل آنچه از آن دست داد اکتفاء نکرد و خواست که آن خانه در قرب و نزد خداوند متعال باشد. جایگاه مکانی مراد نیست چراکه خداوند مکان ندارد بلکه خواست او، قرب و منزلت ویژه در نزد خداوند که جایگاه معنوی بلندی است را طلب نمود و بدین وسیله او مثال والایی در این زمینه شد.

چرا نام و یاد سروران زنان جهان را باید گرامی و زنده نگهداشت؟

ما نیاز مبرم به احیای نام و یاد سروران زنان جهان داریم به دلیل آنکه:

- موجب فزونی همت و اراده در راه اطاعت از خداوند متعال می‌شود.
- موجب قوت قلب ما در ایستادگی در مبارزه با فساد و بی‌بند و باری و دوری از خداوند متعال می‌شود هرچند فشارها و زرق و برق ها بسیار باشد.
- تا آنچه برخی از خانم‌ها در مراسم ازدواج یا در فضای مجازی یا در ارتباطات شان و مانند آن انجام می‌دهند در نزد ما منفی جلوه کند.

^۱ سوره قصص آیه ۱۷.

و این بزرگ زن بر تمام ما حجت است:

• به دلیل آنکه اسباب گمراهی که ما با آن رو برو شدیم در مقابل آنچه زن فرعون مواجه شد ناچیز است.

• و آنچه به ما فشار آورد و تهدید می کند در مقابل آنچه او دید قابل قیاس نیست.

او زیر شکنجه ها از دنیا رفت، با این وجود پایدار و استقامت ورزید، و با اخلاص تمام به دیدار خداوند شتافت و با خشنودی و رضایت زیر شکنجه های شدید شهید شد؛ اگر ما در ادای وظیفه ضعف نشان دادیم یا کم کاری کردیم چه عذر و بهانه ای می توانیم بیاوریم؟^۱

زن در قرآن

یکی از زنانی که در قرآن از وی نام برده شده است، مریم دختر عمران است؛ قرآن برخلاف انجیل حوادث زندگی مریم را از ابتدای تولد او دنبال می کند، و این که زکریا سرپرستی او را بر عهده گرفت. در قرآن آمده است که از نزد خدا به مریم در محراب عبادت روزی بی حساب رسیده است.

و نیز ساره زن ابراهیم و همسر دیگر وی هاجر که مادر اسماعیل بود قرآن، اشارات گذرايی به مادر و خواهر موسی و همچنین دختران شعیب و نیز به همسر فرعون که موسی را پذیرفت دارد و آن سه را به زنانی مؤمن می داند.

در سوره نمل، داستان سلیمان و ملکه سبا آمده است. نام او در قرآن مشخص نشده است، اما در تفاسیر و احادیث از او به بلقیس یاد شده است. قرآن ایشان را حاکمی توصیف می کند که از هر چیز به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت، او دعوت سلیمان را می پذیرد و نزد او می آید و با سلیمان تسليم خدا می شود.

^۱- سخنرانی: (السَّيَّدَةُ آسِيَا قَبْلَ السَّيَّدَةِ مَرِيمَ).

دیگر زنانی که در قرآن، به آنها اشاره شده است؛ دو تن از همسران پیامبر اسلام هستند. مفسرین بر این که آن دو عایشه و حفصة بودند، اتفاق دارند. قرآن آن دو را به خاطر فاش کردن رازی که پیامبر به یکی از ایشان سپرده بود، سرزنش کرده و به توبه دعوت نموده است.

از همسر نوح و همسر لوط همچون دو نمونه از کسانی که کفر ورزیده‌اند، یاد می‌شود. آنان به همسران خود که مردانی نیک بودند، خیانت ورزیدند و به آتش دوزخ فرستاده خواهند شد. و همچنین در برخی از آیات اشاراتی به فاطمه زهرا و دیگر زنان شده است.

در قرآن کریم نمونه‌های فراوانی از زنان با ایمان و نیرومند و تأثیرگذار در جامعه ذکر شده است. از جمله این بانوان حضرت مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی علی‌بنی‌آدم و علیه السلام است. قرآن در باره او می‌فرماید:

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرِيْمٌ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.^۱

«و هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است.»

و یا مادر حضرت موسی(ع) که از زنان بر جسته و مورد خطاب خداوند بوده و قرآن می‌فرماید:

وَ أُوحِيَنَا إِلَىٰ أُمٌّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ.^۲ «ما به مادر موسی‌الهایم کردیم که او را شیر بدی»

و باز می‌توان در قرآن از دو همسر بزرگوار حضرت ابراهیم(ع) به نامهای ساره؛ مادر حضرت اسحاق و هاجر؛ مادر حضرت اسماعیل نام برد.

از دیگر بانوان که صاحب تخت و تاج بود، حضرت بلقیس ملکه سرزمین سبا است که چون به خدمت حضرت سلیمان رسید، دین حق را با میل و رغبت پذیرفت و خود و تاج و تخت و کشور پهناور سبا را در اختیار حضرت سلیمان قرار داد. قرآن می‌گوید:

قَالَتْ رَبِّيْ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۳

^۱ - سوره آل عمران آیه ۴۲.

^۲ - سوره قصص آیه ۷.

^۳ - سوره نمل آیه ۴۴.

«بلقیس - گفت: پروردگارا ! من به خودم ظلم نمودم و - اینک- خود را برای پروردگار جهانیان تسلیم سلیمان می کنم. »

زنان در پیش از اسلام با از دست دادن حیثیت انسانیشان، در فضای بی عدالتی و تبعیض و فساد می سوختند. اسلام با تبعیضات رایج در بین زن و مرد به مبارزه برخاست و زن را به عنوان یک عنصر اصلی جامعه بشری، برخوردار از هر تمام حقوق انسانی و اجتماعی معرفی کرد. قرآن کریم برترین کرامت را برای زن بیان و عالی ترین دفاع را از حقوق آنان نموده است، به گونه ای که جایگاهی برای او ترسیم کرد که مطابق با مصالح اجتماعی و مطابق با وضعیت طبیعی آنان می باشد. بهترین دلیل برای اثبات این مطلب آیات نورانی آن است که به طور فشرده نمونه هایی از آن بیان می گردد:

تساوی با مردان در خطابات قرآنی

قرآن کریم مرد و زن را از نظر ارزش انسانی و معنوی، برابر می داند و با خطاب های (یا أیها الناس) و (یا أیها الذين آمنوا) هر دو را یکسان مورد خطاب قرار داده است. در هیچ یک از خطاب های قرآن کوچک ترین تفاوتی بین زن و مرد مشاهده نمی شود .

هویت انسانی زن در اصل خلقت

در شرایطی که بعضی از فرهنگ های قدیم در تاریخ بشری، زن را جزء حیوانات به حساب می آوردن و انسان بودنش را باور نمی کردند، اسلام با صراحة برابری زن را با مرد در اصل خلقت و هویت انسانی بیان فرمود و زن را یکی از دو عنصری که انسان ها از آن دو عنصر پدیدار گشته اند معرفی کرد.

از منظر وحی سرشناس مرد و زن واحد است و آن انسانیت است. مرد بودن و زن بودن از ویژگی هایی است که برای تکمیل آفرینش با دو خصوصیت زنانیت و رجالیت ظهر و بروز نموده است و ویژگی و امتیاز هر یک با داشتن تقوای الهی روشن می گردد. در اینجا به برخی از آیات در این زمینه اشاره می شود:

(یا أیها الناسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِيلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أُتْقَانُكُمْ)^۱

ای مردم ما شما را از دو جنس مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت گروه و قبیله ها قرار دادیم، تا هم دیگر را بشناسید و به درستی که گرامی ترین شما در نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.

^۱- سوره حجرات آیه ۱۳.

در آیه ای دیگر، به تساوی خلقت مرد و زن تصریح و به روشنی بیان شده است که زن و مرد از یک واقعیت نشأت گرفته اند و آن انسان بودن است:

(يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً)^۱
ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

در آیه سوم، علاوه بر این که حقیقت مرد و زن را یکی دانسته است، خانم ها را مایه آرامش مردان دانسته است:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ حَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَرْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا)^۲

از نشانه های قدرت خدا این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله آنها آرامش بیابند.

زن در روایات

۱- «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِإِنْسَانِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ.^۳

بهترین شما کسانی هستند که بهترین سرپرست و نگهبان برای زنان و دختران خود باشند.

۲- «مولی امیرالمؤمنین علیه السلام»:

الله الله في النساء و ماملكت ايمانكم.

از خدا بترسید و درباره زنان و زیردستان خود خدا را شاهد و ناظر بگیرید.

۳- «امام محمدباقر (علیه السلام)»:

مَنْ حَسُنَ بِرَهْ بِأَهْلِهِ زَيْدَ فِي عُمُرِهِ.

^۱- سوره نساء آیه ۱.

^۲- آیه ۲۱ سوره روم.

^۳- مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

^۴- نهج البلاغه، (وصیت) نامه ۴۷.

کسی که با اهل و خانواده‌اش خوش‌رفتار باشد عمر طولانی خواهد داشت.

۴- «امام زین‌العابدین (علیه السلام)»:

و اما حَقُّ الرَّوْجَةِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسًا فَتَعَلَّمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةً مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكَرِّمُهَا وَ تَرْفِقُ بِهَا^۲.

و اما حق زوجه، بدان که خدای متعال او را برای تو محل آنس و آرامش قرار داده و این یک نعمت الهی بر تو است که او را گرامی بداری و با رفق و مدارا با وی رفتار نمایی.

۵- «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»:

خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكُبَائِرِ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ مُهُورُ الْحُورِ الْعَيْنِ وَ تَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ^۳.

خدمت به اهل و عیال، کفاره گناهان کبیره و غصب پروردگار را خاموش می‌کند. مهریه حوریان بهشتی است و بر حسنات و درجات انسان می‌افزاید.

۶- «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»:

إِيمَانُ اِمْرَأَةٍ اعَانَتْ زَوْجَهَا عَلَى الْحَجَّ وَ الْجِهَادِ او طَلَبَ الْعِلْمِ اعْطَاهَا اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا يُعْطِي اِمْرَأَةً اِيَّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۴.

هر زنی که شوهر خود را در رفتن به حج یا جهاد یا تحصیل علم یاری دهد خداوند اجر و ثواب همسر حضرت ایوب پیغمبر علیه السلام را به وی عطا می‌فرماید.

۷- احترام گذاشتن به حضرت زهرا

پیامبر اسلام برای اثبات کرامت زن در عمل، آنچنان به احترام دخترش فاطمه (س) برخاست که مردم تعجب می‌کردند. نبی اکرم (ص) دست زهرا را می‌بوسید و به او احترام می‌گذاشت تا ثابت کند که وجود دختر مایه ننگ و عیب نیست. پیامبر (ص) تنها به این مورد احترام به زهرا (س) اکتفا نکرد، بلکه در موارد مختلف، حفظ احترام به دختران و حفظ شخصیت آنان را به اصحاب گوشزد می‌کرد.

^۱- تحف العقول، ص ۳۰۵.

^۲- مکارم الاخلاق، ص ۴۲۰.

^۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۴۱.

^۴- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۱.

۸- دختر حسنی است

پیامبر اسلام طبق حدیثی شریف فرمود:

«البنات حسنات والبنون نعمة والحسنات يثاب عليها والنعمة يسأل عنه»؛ دختران حسنات و پسران نعمت (اللهی) هستند و در برابر حسنات ثواب داده می شود و از نعمت سؤال می شود. تعبیر به حسنات، بیان گر ارزش بسیار بالایی است که وجود دختر در خانواده، موجب ثواب و پاداش الهی است.

۹- دختر ریحانه است

روزی به پیامبر(ص) خبردادند که خدا دختری به ایشان عنایت فرموده، در اثر بقایای رسوبات زنگار جاهلی، آثار ناخشنودی، در چهره یاران حضرت پدیدار گردید، حضرت فرمود: «مالکم ریحانة أسمّها ورزقها على الله عزّ و جلّ»؛ این چه حالتی است که در شما می بینم؟ خداوند گلی به من عنایت فرموده که آن را می بویم و روزی او را خدا می دهد.

۱۰- بهشت در زیر پای مادران

پیامبر اسلام فرمود: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَفْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» بهشت در زیر قدم های مادران است.

۱۱- دستور احترام به دختران

پیامبر اسلام فرمود:

کسی که تحفه ای برای خانواده اش می خرد، همچون کسی است که می خواهد به نیازمندان کمک کند و هنگامی که می خواهد تحفه را تقسیم کند نخست باید به دختر و بعد به پسران بدهد، چرا که هر کس دخترش را شاد و مسروور کند چنان است که گویی کسی از فرزندان اسماعیل (ع) را آزاد کرده باشد.

در سخن دیگر فرمود: «هر که سه دختر یا سه خواهر را سر پرستی کند بهشت برایش واجب و حتمی است».

۱۲- احترام به زن ها

نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود:

«انّ لنسائكم عليكم حقاً ولكم عليهن حقاً»؛ بانوان شما بر شما حقوقی دارند و شما نیز بر آنان حقوقی دارید. و در مورد اکرام به زنان فرمود:

«ما أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَثِيمٌ»؛ تکریم زنان شیوه بزرگواران و اهانت به آنان، کار فرومایگان است.

در سخن امامان سفارشات و توصیه های اکید نسبت به بانوان و به خصوص همسران شده است، از جمله در رساله حقوق امام سجاد (ع) می خوانیم.

وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النَّكَاحِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيًّا، وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمَا يَجِبُ أَنْ يَحْمِدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ، وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ. وَ وَجَبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحبَةً نِعْمَةُ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفَقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَعْلَظُهُ وَ طَاعَتِكَ بِهَا الْأَزْمَرَ فِيمَا أَحْبَبْتَهُ وَ كَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَّهُ، فَإِنَّ لَهَا حَقُّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ، وَ مَوْضِيعُ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَصَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ. وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

«وَ امَّا حَقُّ كَسَانِي كَهْ بَا ازْدَوَاجْ بِهِ مَلْكٌ تُو در آیند آن است که بدانی خداوند آنان را مُظْهَر آرامش، راحتی، انس و محافظت تو قرار داده است. همچنین بر هر کدام از شماست که خداوند را بخاطر وجود دیگری سپاس گوید و بداند که این نعمتی از جانب خدا است و واجب است همنشینی این نعمت را نیکو بدارد و به او احترام گذارد و با او مهربانی کند گرچه حق تو بر او باشد و اطاعت تو نسبت به آنچه او دوست می دارد یا از آن کراحت دارد مادامی که معصیت نباشد لازم تر است چرا که او حق مهربانی و انس و الفت دارد و کانون آسایش و آرامش بودن و برخورداری و بهره مندی را دارد که باید ادا شود و این حق عظیم است و - برای حسن انجام آن - پناه و توانی جز خدا نیست. »

و امام صادق فرمود: الخيران الحسان من نساء اهل الدنيا هن اجمل من الحور العين. «بانوان نیکو کار از اهل دنیا در آخرت از حور العین زیباترند. »

و در حدیث دیگر فرمود: اکثر الخیر فی نساء. «بیشتر نیکی ها در بانوان است. »

و باز در روایتی از امام صادق (ع) ویژگیهای زنان نیکو کار چنین یاد آوری شده است:

خیر نساءكم الّتی اذا انفقـت، انفقـت بـمـعـرـوفـ وـ انـاشـكـتـ، اـشـكـتـ بـمـعـرـوفـ فـتـلـكـ عـاـمـلـ منـ عـمـالـ اللهـ.

«بهترین زنان آن زنی است که اگر انفاق کند به معروف انفاق می کند و اگر خود نگهدار باشد به معروف، خودنگهداری می کند و این چنین زنی یکی از کار گزاران الهی خواهد بود.»

خطر سقوط و انحراف زن و مرد

قرآن در مورد امکان انحراف در مورد نفس انسان را بطور مطلق ذکر کرده است که شامل دو جنس مرد و زن می شود و می فرماید:

(وَنَفْسٍ وَّمَا سَوَّاهَا، فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا)^۱

«و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته است. سپس فجور و تقوا - شر و خیر - را به او الهام کرده است. که هر کس نفس خود را تزکیه کند، رستگار شده است. و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است».

کرامت انسان اعم از مرد و زن

قرآن کریم در داشتن کرامت، هیچ فرقی بین مرد و زن نمی گذارد، بلکه به طور مطلق می فرماید:

(وَلَقَدْ كَرِمَنَا بَنِي آدَمْ)؛^۲ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم.

عبارت «بنی آدم» صریح در نوع انسان است که به زن و مرد به صورت تساوی اطلاق می گردد.

در آیه دیگر با اشاره به احسن التقویم بودن انسان، کرامت مرد و زن را به طور مساوی بیان می کند:

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)؛^۳ هر آیینه انسان را در بهترین صورت ممکن آفریدیم.

انسان چه زن و چه مرد، در میان همه مخلوقات عالم در بهترین شکل از نظر صورت و سیرت آفریده شده است.

در مجموع آیات قرآنی که بیان گر کرامت انسان هستند، هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده و هر دو جنس را به طور یکسان در کرامت شریک می دانند.

مسئولیت متقابل میان زن و مرد

قرآن می فرماید:

^۱- سوره شمس آیات ۷-۱۰.

^۲- سوره اسراء آیه ۷۰.

^۳- سوره تین آیه ۴.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أُولَئِياءِ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ
يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَئِكَ سَيِّرْ حَمْهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.^۱

«و مردان و زنان با ایمان یار و یاور یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را برابر پا
می دارند و زکات را می پردازند و خداوند و رسولش را اطاعت می نمایند، خداوند به زودی آنها را
مورد رحمت خویش قرار می دهد. خداوند توانا و حکیم است.»

برابری زن با مرد در تحصیل کمال و پاداش

با آنکه بسیاری از اقوام پیشین، زنان را شایسته دینداری نمی دانستند و معتقد بودند که زن موجودی پست
است و عبادتش در پیشگاه خدا مقبول نیست. اسلام با رد این پندار باطل، فرمود: از نظر قبولی عبادات و
طاعات بین زن و مرد هیچ فرقی وجود ندارد. قرآن کریم، در برنامه های تربیتی، اخلاقی، علمی و عملی و
رفتاری ...، رسیدن به سعادت و کمال هر دو جنس را بدون تفاوت، در پرتو عمل صالح و رفتار نیک تضمین
فرموده است:

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أُوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِنَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْرِينَهُمْ أُجْرَهُمْ بِأَخْسَنِ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ)؟^۲

این آیه تصريح دارد که زندگی طاهر که از درون این زندگی، به واسطه عمل صالح بر می خizد باعث
روشنایی قلب و نشانه کمال و قرب انسان می شود، برای مرد و زن به طور مساوی ممکن و میسر است.

(وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أُوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ)؛ هر کس کار
شایسته انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می شوند و در آن، روزی
بی حساب به آنها داده خواهد شد.

(أَئِ لَآ أُضِيقُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أُوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ)؛ عمل هیچ کس را ضایع نمی نمایم خواه
مرد باشد یا زن، بعض شما از برخی دیگر هستید. [همگی از یکدیگر خلق شدید؛ مرد مولود از زن و زن
مولود از مرد و همه از آدم هستید].

^۱- سوره توبه آیه ۷۱.

^۲- سوره نحل آیه ۹۷.

از نظر اسلام، کرامت و ارزش هر یک از زنان و مردان، در دنیا و آخرت، در گرو اعمال و کردار نیک یا بد خود او می باشد. بنابراین زنان نیز در تحصیل کمالات همانند مردان از راه تقوا، تلاش و کوشش معنوی و سلوک شایسته و انسانی به قله های بسیار بالایی دست یابند و بر این پایه قرآن کریم نمونه هایی از زنان مانند حضرت مریم، آسمیه و غیره را معرفی کرده است که از راه مجاهدت و تلاش از کثیری از مردان جلو افتادند.

قرآن همچنین می فرماید:

(وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أُوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا.)^۱

«و آن کس که چیزی از اعمال صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، اما ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل در بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

در آیات دیگر مثل سوره نحل، آیه ۹۲ و همچنین سوره غافر، آیه ۴۰ و سوره توبه، آیه ۷۲ به این مهم اشاره شده است.

عقل مداری یکسان

قرآن کریم عقل گرایی را برای مرد و زن، هر دو، لازم و ضرورت زندگی سالم دانسته است.

در سوره زمر می خوانیم:

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَبَعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ.^۲

«پس به بندگان من بشارت ده؛ کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکو ترین آنها پیروی می کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند.»

و چون واگذاری امانات الهی به انسانها است، تفاوتی بین زن و مرد گذارده نمی شود. آیه ۷۲ سوره احزاب شاهد این گفته است.

^۱- سوره نساء، آیه ۱۲۴

^۲- سوره زمر، آیه ۱۸ - ۱۷

برابری زن با مرد در حقوق

بعد از ظهور اسلام و نزول آیات قرآنی، بحث کرامت و حقوق زن در میان مسلمانان مطرح گردید و سؤالاتی که در برخی از موارد مانند مسأله ارث، از ائمه(ع) شده است؛ از جمله: شبیه افکنی ابن ابی العوچا یکی از دهريون زمان امام صادق(ع) در مسأله حق الارث زن که می گفت: چرا زن بیچاره که از مرد ناتوان تر است باید یک سهم ببرد و مرد که تواناتر است دو سهم ببرد؟ امام صادق(ع) در جواب فرمود:

چون اسلام سربازی را از عهده زن برداشته و به علاوه مهر و نفقه را به نفع او بر مرد لازم شمرده است و در بعضی جنایت های اشتباہی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است.

و نیز روایتی که آبان الاحمر از امام صادق (ع) از علت عدم ارث زن از زمین و اصل بنای شوهر متوفی سؤال می کند امام در جواب مصلحت فامیل و قوم شوهر را مطرح نموده فرمود: برای اینکه ممکن است زن شوهری از قوم دیگر اختیار کند و فرزندانی از آن به دنیا بیاورد که مزاحم این قوم در زمین و بناها می گردد.

بنابر این در مورد حقوق زن، در ابتدا باید دیدگاه اسلام در خصوص طبیعت زن را دانست. دین اسلام، زنان و مردان را برابر می داند و قوانین اسلام، عموماً انسان را مورد حمایت قرار می دهد نه فرد یا گروه معینی را. با این همه در مواردی از حقوق زنان بیش تر پشتیبانی کرده و مخصوصاً سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عدالت، مهربانی و نیک رفتاری با زنان را توصیه نموده و احادیث و سفارش های زیادی در این خصوص در مجتمع روایی موجود است. در مسأله ازدواج که از نظر اسلام، بعد اخلاقی و تربیتی آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

حق مالکیت: یکی از موضوعات مهم حقوقی، حق اداره اموال و دارایی است. قبل از اسلام، بسیاری از ملت ها، برای زن درباره مسائل اقتصادی و غیره مالکیتی قایل نبودند. بر این اساس آنان از ارث محروم بودند. در بعضی ملت ها اگر زن، دارای مال هم می شد، نمی توانست در اموالش تصرف کند، لذا بخشیدن، معامله، قرارداد و خرید و فروش و غیره برای زنان ممنوع بوده است.

قرآن کریم در چنین شرایطی، دستور داد که زنان، درباره اموال و دارایی خود، مثل مردان، حق هر نوع تصرف و مداخله را دارند؛ آنجا که می فرماید:

(لِلرّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ)^۱

مردان را از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و زنان را نیز از آنچه به دست آورده اند بهره ای می باشد.

حقوق خانوادگی: در روزگاری که برخی اقوام، برای زن، حق غذا خوردن و زندگی کردن با شوهر را در یک جایگاه نمی دادند، و آنان را همچون حیوانات به صورت قرض، هبه، کرایه و معامله با دیگران دست به دست نموده، کرامت و شخصیتش را آلوده و خُرد می کردند، قرآن کریم این روش ظالمانه و افکار موهوم را محکوم کرده، زن را در حقوق خانوادگی نیز برابر با مردان دانست و فرمود:

(هُنَّ لِبَاسُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسُ لَهُنَّ)^۲

زنان لباس شما و شما لباس زنان هستید.

یعنی زن و مرد برای همدیگر، مانند لباس و سیله زینت و موجب حفظ یکدیگر در برابر آفات گوناگون هستند و نباید تبعیض در بین آنها روا داشته شود.

اسلام برای زن ها حقوق خانوادگی حتی بالاتر از مردان را در نظر گرفته است که عبارتند از: حق انتخاب همسر، حق مهریه، حق نفقه، حق رفتار انسانی و شایسته شوهر با زن و حق مسکن.

برابری در حقوق اجتماعی: تساوی حقوق زن و مرد یکی از موضوعاتی است که از گذشته تا کنون بحث های زیادی درباره ای آن صورت گرفته است و نظرات مختلفی در رابطه با آن ارائه گردیده است. اسلام، زنان را مطابق شرایط فطرت آفرینش بر برخی از امور اجتماعی، دوشادوش مردان، وارد اجتماع کرده است:

پیامبر اسلام(ص) بعد از فتح مکه، همان گونه که از مردان بیعت گرفت به زنان نیز امر فرمود که با روش خاصی با آن حضرت بیعت کنند. این بیعت به دستور قرآن کریم بوده است که می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَأِ يَعْنِكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَعْنِلْنَ
أُولَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَيْعُهُنَّ وَأَسْتَعْفِرُ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ
اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ^۳

^۱- سوره نساء آيه ۳۲

^۲- سوره بقره آيه ۱۸۷

^۳- سوره متحنه آيه ۱۲

ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی نکنند، آلوهه زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند، و در هیچ کار شایسته ای از فرمان تو مخالفت نکنند، با آنها بیعت کن، و برای آنها از درگاه خداوند طلب آمرزش نما که خدا آمرزنده و مهربان است.

امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب عقلی، شرعی و انسانی و اجتماعی اند، که تمام اصلاحات اجتماعی روی این دو اصل مهم استوارند. قرآن کریم، زنان را نیز مثل مردان، در این فرضیه مهم اجتماعی، شریک دانسته، می فرماید:

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) ^۱

مردان و زنان با ایمان ولی (و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

در بررسی های قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله به این نتیجه می رسیم که دین اسلام سه نوع امتیاز برای زنان قایل شده است:

اول، ازدواج از نظر اسلام در عین این که پیوند معنوی و پرشکوه مرد و زن مسلمان است، اقدامی در مسیر نظم جامعه و قرارداد عادلانه ای بین طرفین است.

دوم، رعایت احترام و ادب معاشرت در روابط زن و مرد است. با شناختی که اسلام از طبیعت سرکش مردان دارد، در این مورد راه حل های عملی ارایه داده و صرفا توصیه اخلاقی نکرده است.

سوم، تنظیم روابط زناشویی است. زناشویی صرفا اقناع غریزه جنسی نباید تلقی شود. انگیزه های انسانی و تربیتی، علل و موجبات اساسی زناشویی است. دورنمای این مزایای سه گانه که با یک نگاه کلی، می شود آن ها را به صورت یک اصل پذیرفت، نظر اسلام را نسبت به ارزش مقام زن روشن می سازد .

^۱- سوره توبه آیه ۷۱

مطالعه تاریخ تمدن های گذشته حاکی از پرداختن انسان به رسوم و عادات شرم آوری بوده که انقلابات و تحولات اجتماعی نظیر اسلام، سرانجام آن را از میان برده است. از جمله این عادات، رفتار غیر انسانی مردان جاهلیت با زنان و دختران عشیره بوده که پیامبر با آن مبارزه کرده است. البته این مسئله در کثیری از اقوام و جوامع بوده است اما چون قران و تاریخ اسلام بیشتر در جامعه عربی گسترش پیدا کرد بیشتر در نمونه های خاص بررسی شده است.

از دیدگاه قرآن، زن در جامعه مسلمان، از همگی حقوقی که به مرد اختصاص داده شده، بهره مند است و اصولا هیچ گاه تفاوتی اساسی میان زن و مرد وجود ندارد.

آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران و مادر عیسی علیه السلام نمونه پاکدامنی و استقامت در برابر شداید و سختی ها معرفی شده اند.

باید دانست که دیدگاه برخی از جریان ها و طیف های اسلامگرا نسبت به زن، با تعالیم اسلامی ربطی ندارد و نشانه بی اطلاعی و بی خبری این گروه های متعصب و بیگانه از آموزه های اسلام است. این گروه ها برای زن همان حقوقی را قایلند که در دوره جاهلیت قایل بودند، اینان به دستور پیامبر و تعالیم قرآن در موضوع برابری زن و مرد تسليم نمی شوند و تنها به ظواهر دین پایبندند و با برداشت سطحی و ناقصی که از دین اسلام دارند، مقام عالی و با عظمتی را که قرآن به انسان (اعم از مرد و زن) ارزانی داشته، هرگز درک نکرده اند و در نتیجه با تندروی های ناشایسته ای به قضایت در باره زن می پردازند. باید دانست سخنانی نظیر: «بهشت زیر پای مادران است» یا «بهترین شما کسی است که با همسر خود به مهربانی رفتار کند»، هرگز بر زبان پیامبری که برای زن ارزش ملکوتی قایل نباشد، جاری نمی شود.

در کدام نظام و ساختار اقتصادی، از حق مالکیت زن، همچون اسلام حمایت شده است؟ مجاهدت های پیامبر صلی الله علیه و آله در دفاع از آزادی و حقوق اقتصادی و اجتماعی زن، در صدر اسلام، نشان داده است، واقعا شکفت انگیز است. ظهور اسلام، مقارن با فرمانروایی امپراطوران روم و ایران بود که اصولا مرد و زن از آزادی و عدالت بی بهره بودند.

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ
وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاسِعِينَ وَالْخَاسِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ
وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً
وَأَجْرًا عَظِيمًا)^۱

همچنین در زندگی دینی، از برابری زن و مرد سخن رفته است: «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان پرهیزکار و زنان پرهیزکار، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن، مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند؛ خدا برای همه ایشان آمرزش و پاداش بزرگ فراهم ساخته است.»

در جای دیگر، قرآن می‌گوید: «مردان و زنان باایمان، دوستان یک‌دیگرند. هم‌دیگر را به کارهای پسندیده و امی دارند و از انجام کارهای ناپسند بازمی‌دارند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند.»

وظایف و مسؤولیت‌های اخلاقی و فردی زن و مرد یکسان است: «هر که بدی کند، جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد؛ و هر کس کار شایسته کند، چه مرد باشد و چه شد، و به خدا ایمان داشته باشد، به بهشت درخواهد آمد و در آن‌جا روزی بی‌اندازه خواهد یافت.»

همچنین در قرآن به برابری پاداش در زندگی بازپسین آشکارا تصریح شده است.

پیامبر اسلام، به زنان اجازه داد که به مساجد بروند؛ هرچند در حدیث آمده است که خانه‌هایشان برایشان از مساجد بهترند.

^۱- سوره احزاب آیه ۳۵

حقوق و وظایف زن در اسلام

زن در اسلام همان مقام شامخ انسان را دارد و خداوند درباره‌ی زن و مرد تفاوتی قائل نشده است، مقام خلیفه‌الله‌ی هم مقامی است که به انسان داده شده است پس در این خصوص هم تفاوتی بین زن و مرد نیست. این دو گروه، مسؤولیت‌های مشترکی هم در اداره‌ی جامعه دارند که به بخش مربوط به زنان را در اینجا مورد اشاره قرار می‌دهیم.

حقوق اجتماعی، سیاسی زن

زمانیکه که گفته می‌شود زن مرکز کانون خانواده و حرارت‌بخش فضای خانه و صفات‌بخش روحیه همسر و افراد خانواده است، این تصور به ذهن خطور می‌کند که پس جایگاه زن در جامعه و سیاست کجا است. در حالی که زنان به عنوان قسمتی از افراد جامعه انسانی، سهم بسزایی در تاریخ جوامع و ملت‌ها ایفا کرده و می‌کنند و اسلام نیز هم‌پای تاریخ به حضور زن در این عرصه ارج نهاده، آن را ستوده و به ارتقای چنین حضوری اندیشیده است.

تاریخ اسلام مملو از حوادثی است که زنان آفریدگار آن بوده‌اند. آنگاه که پیامبران الله‌ی دست بیعت به سوی انسان‌ها دراز کردند، زنان نیز در خیل مؤمنان نقش آفرین بوده‌اند؛ «بیعة النساء» و «عقبة اولی» در زمانی که اوج فشار از کافران بر مسلمانان وارد می‌شد، بیان‌گر نقش انکارناپذیر زنان در تاریخ اسلام است. در این بیعت زنی به نام عفراء دختر عبیده بن ثعلبه حضور داشت و در عقبه ثانی نیز چند زن با نام‌های نسیبه دختر حارت انصاری و خواهرش، نسیبه دختر کعب از بنی خزر، ام منیع و اسماء دختر عمروبن عدی حضور داشتند که در شب سیزدهم ذی‌الحجہ به همراه سایر بیعت کنندگان مخفیانه در منی نزد پیامبر آمدند و با آن حضرت بیعت کردند مبنی بر این که همان گونه که از فرزندان و خانواده خویش دفاع می‌کنند از پیامبر اکرم(ص) دفاع کنند.

در بیعت رضوان نیز نام سه نفر از زنان در منابع تاریخی ذکر شده است: ربیع بنت معوذ، ابن هشام انصاریه و نسیبه دختر حارت. شیخ مفید در شرح این پیمان که در حادثه صلح حدیبیه صورت گرفت، می‌فرماید: حضرت علی(علیه السلام) عهد دار اجرای این بیعت بودند به این صورت که لباسی را پهن کردند و زنان به عنوان بیعت بر آن لباس دست می‌کشیدند و سپس

پیامبر(ص) بر آن لباس دست می‌کشیدند و بدینسان بیعت واقع گردید. آیه ۱۲ سوره «متحنه» مفاد بیعت دیگری را بیان کرده که میان زنان و پیامبر(ص) واقع شد. این بیعت در جریان فتح مکه و با حضور وسیع زنان صورت پذیرفت. در روز غدیر خم نیز زنان هم‌پای مردان در بیعت با امیرمؤمنان شرکت داشتند. و بالاخره پشتونه خلافت آن حضرت نیز بیعت مردم از جمله زنان بود. و در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که در بیان گروندگان به حضرت ولی عصر(عج) نیز پنجاه زن وجود دارد که بین رکن و مقام در مسجدالحرام با آن حضرت بیعت می‌کنند.

قرآن کریم زنان مؤمن را نیز همچون مردان مکلف ساخته است که در شرایطی که جامعه دچار آلودگی‌های معنوی شدید شده است، به سرزمینی که قانون خداوند اجرا می‌شود مهاجرت کنند، مگر آنانی که از اجرای چنین حکمی معذورند. زنان پیامبر(ص) همه از مهاجرین بودند. در هجرت به حبشه ۱۸ زن حضور داشتند که اسماء بنت عمیس، ام سلمه و رقیه دختر رسول خدا از جمله آنان بودند. در میان زنان مهاجر به مدینه فاطمه بنت اسد، مادر امیرمؤمنان(علیه السلام) نیز بود. طبق فرمایش امام صادق(ع)، وی اولین زنی بود که به سوی پیامبر(ص) پیاده از مکه به مدینه هجرت نمود. در این هجرت، زینب دختر پیامبر(ص) و فاطمه‌زهرا(ص) (همسر امیرمؤمنان) دختر دیگر آن حضرت نیز از جمله مهاجران فی سبیل الله به حساب می‌آیند.

اگر جهاد را از بارزترین جلوه‌های سیاست دینی به حساب آوریم، حضور زنان به عنوان آبرسانی، پرستاری، تدارکات جنگ و انتقال اجساد حضور چشم‌گیری است و در مواردی نیز که امر دفاع از پیامبر حضور آنان را می‌طلبیده از آن دریغ نمی‌کرده‌اند. حضور مؤثر فاطمه‌زهرا (س) در شعب ابی طالب و مساعدت‌های او به پیامبر(ص) تا بدان جا که به «ام ابیها» لقب گرفت؛ حضور وی در جنگ‌های احد و خندق و نیز فتح مکه؛ خطبه‌های آن حضرت پس از پیامبر(ص)؛ مناظره‌های آن حضرت با انصار مدینه و موارد بسیاری دیگر، همگی بیان‌گر نقش زن مسلمان در عرصه سیاست و اجتماع است. نقش مؤثر ام سلمه، همسر پیامبر(ص)، در جنگ ناکثین(جمل) و همراهی او با امیرالمؤمنین(ع) و دفاع او از ولایت و

تحریض فرزندان به پیروی از حضرت و سرنهادن به ولایت او؛ نقش آفرینی ام الفضل به عنوان نیروی اطلاعاتی در خدمت امیر مؤمنان در این جنگ؛ سخنرانی‌های سیاسی ام الخیر با رقیه در جنگ صفین در تحریک سپاه علی(ع) به حمایت و فرمان برداری از آن حضرت و نیز سوده همدانی از مظاہر جایگاه سیاسی زن مسلمان هستند. نقش زنان در قیام حسین بن علی(ع) نیز به خوبی بیان گر این حقیقت است؛ زینب(س) دختر امیر مؤمنان(ع) در کربلا، شام و کوفه، حادثه‌ای در تاریخ رقم زد که تا ابد بر تارک آن خواهد درخشید.

حضرت زینب (س) را، عناوین و جایگاه اجتماعی و از خاندان معروف و مشهور بودن و ویژگی‌های منحصر بفرد برگرفته از جدش رسول خدا (ص) و پدرش امیر مؤمنان (ع) و پس از آن از دو برادرش حسن و حسین (ع) و در سایه همسر و پسر عمومیش عبدالله بن جعفر طیار که از اشراف و بزرگان عرب که محل رفت و آمدن نیازمندان بود، را از قیام و خروج پر مشقت و درد منع نمی‌کرد.

این عناوین و اعتبارات او را به راحت طلبی و تجمل گرایی نکشاند بلکه او با برادرش امام حسین (ع) برای اجرای دومین بخش نهضت خارج شد پس از آنکه امام (ع) بخش اول را با شهادت خود در روز عاشورا به سرانجام رساند

رسالت خود را به بهترین وجه ادا کرد، و در مقابل اشرار خلائق که بر سرنوشت مردم سلطنه انداخته بودند مانند یزید، ابن زیاد، و پیروان پست آنها ایستاد، و جان خود را بارها و بارها برای فدا شدن و انتقام در معرض خطر قرار داد.

او این عمل پر برکت را از مادرش حضرت زهرا (س) که پایه گذار حرکت بصیرت افزا و اصلاح و ایستادگی در مقابل ظلم و بی عدالتی و انحراف و فساد بود به ارث برده.

راز جاودانگی زینب (س)

راز جاودانگی حضرت زینب (س)، قیام با اخلاص، فداکاری، از خودگذشتگی و مشارکت او با برادرش امام حسین (ع) برای خداوند در راه اصلاح امت از انحرافاتی که در آن رخ داده است بود.

قیامی که خداوند متعال به آن دعوت کرده است (بگو که من به یک سخن شما را پند می‌دهم و آن سخن این است که شما خالص برای خدا دو نفر دو هم یا هر یک تنها قیام کنید).^۱

و سخن خداوند متعال (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید به سوی چیزی که شما را حیات می‌بخشد!)^۲

و کسانی که برای او قیام کردند در هر اندازه باشند همانند اصحاب کهف را ستایش کرد و آنها را اینگونه توصیف کرد (جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردن و ما برهدایت آنها افزودیم و دلهاشان را قوی نمودیم که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است).^۳

و قیام آنها و اعلام یکتاپرستی در برابر قدرتمندترین امپراطوری آن روزگار که قدرت و سلطه خود را بر بسیاری از مردم تحمیل کرده بود، خدا این موقعیت و جایگاه را برای انها به وجود آورد.

اینها و نمونه‌های بسیاری دیگر، زنانی بوده‌اند که در راه صلاح جامعه و تسهیل اجرای اهداف نبوت و ولایت شکنجه‌ها، رنج‌ها و مشقت‌ها و حتی شهادت‌ها را بر خود هموار کردند.

شهادت سمية، اول شهیده اسلام، که به فرموده امام عسگری(ع) مشمول آیه شریفه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْرِي نَفْسَهُ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» است و شکنجه‌هایی که امشریک توسط مشرکان مکه به جان خرید و شهادت امفووه انصاریه به جرم ولایت علی(علیه السلام) نمونه‌هایی از

^۱- سوره سباء آیه ۴۶.

^۲- سوره انفال آیه ۲۴.

^۳- سوره کهف آیه ۱۳-۱۴.

بسیار زنانی اند که در عرصه اجتماع دینی ایفای نقش کرده و تاریخ را به نام خود مزین کرده‌اند. نقشی که ام‌سلمه پس از رسول خدا در دفاع از ولایت ایفا کرد ستودنی است. وی در دفاع از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد و در اعتراض به غصب فدک و مقابله با اسائمه ادب خلیفه به آن بانوی بزرگوار، کار را به جایی رساند که به قطع مقرری یک ساله وی از بیت‌المال متنه شد.

او امین اسرار رهبران سیاسی‌الهی آن دوران بود، همچون فاطمه بنت‌الحسین که به فرموده امام باقر(ع): «امام حسین(ع) آنگاه که زمان شهادتشان نزدیک شد دختر خود فاطمه را خواندند و کتابی را که درهم پیچیده شده بود و نیز وصیتی ظاهری را به او سپردند». و یا آنگاه که امام موسی کاظم(ع) با فشار و تهدید خلیفه ستمگر عازم عراق گردید، مواريث امامت و رهبری را به امام‌احمد سپرده، فرمودند: «هرگاه کسی به نزد تو آمد و این امانت را از تو طلب نمود، بدان که من به شهادت رسیده‌ام و او پس از من رهبر و امام امت و اطاعت او بر تو و بر سایر مردم واجب می‌باشد.» هنگامی که آن حضرت در بغداد مسموم شد، امام رضا(ع) نزد امام‌احمد آمده، از او مواريث امامت را طلب نمودند. آن بانوی بزرگوار، امانت را به امام(ع) داد و با آن حضرت بر رهبری بیعت نمود.

بنابراین، اگر احکامی محدودکننده در اسلام نسبت به زنان وجود دارد، هرگز به معنای نادیده گرفتن توانایی‌های این بخش از اجتماع در اداره جامعه و نقش آفرینی اجتماعی آنان نیست.

حجاب و زنان

حجاب اصطلاحی دینی به معنای پوشاندن برخی از نقاط بدن زنان و مردان در شریعت اسلامی. حجاب در ادیان و اقوام پیش از اسلام وجود داشته و آیاتی در قرآن و احادیثی از ائمه(ع)، از وجوب و اهمیت آن سخن گفته‌اند.

حکم حجاب در فقه در بخش نماز و نکاح مطرح شده است. این حکم از دیدگاه فقهاء از احکام ضروری دین اسلام است. در باور مسلمانان، ایجاد امنیت روانی و حفظ سلامت

اخلاقی جامعه از حکمت‌های واجب شدن حجاب است. فقیهان با توجه به جمله «وَ لِيَضْرِبَنَّ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ» در آیات متعدد و روایات، به وجوب حجاب برای بانوان فتوا داده‌اند.
آیات ذیل را در اینخصوص مورد اشاره قرار می‌دهیم:

• (وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَخْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا
ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِيُعَوِّتَهُنَّ أَوْ آبَائُهُنَّ...
وَ لَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيَّهَا الْمُؤْمِنُونَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^۱

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و
زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسربی خود را بر
گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان... آشکار
نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زیتشان نهفته می‌دارند معلوم
گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

و در این آیه معروف به آیه «خمار» می‌فرماید: «زنان روسربی خود را پشت سر نینداخته، گردن
و بالای سینه خود را بپوشانند». در ادامه این آیه به زنان هشدار می‌دهد که محکم بر زمین راه
نرونده تا صدای زیورهای مخفی آنان به گوش نرسد. به راستی چگونه خواهد بود که رساندن
صدای زینت به گوش نامحرمان حرام باشد و عیان ساختن آنها و نمایش بدن‌هایشان حرام
نبشد؟

• (وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ)^۲

^۱- سوره نور آیه ۳۱.

^۲- سوره احزاب آیه ۵۳.

و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این برای دلهاش شما و دلهاش آنان پاکیزه‌تر است.

خداؤند متعال در این آیه موسوم به آیه حجاب، مؤمنان را مکلف ساخته است که با زنان پیامبر از پشت پرده و مانع سخن بگویند. هرچند ممکن است تصور شود این حکم به زنان پیامبر اختصاص دارد، اما تعلیل موجود در ادامه آیه عام است و شامل سایر زنان نیز می‌شود. در این بخش از آیه می‌فرماید: «رعایت این مسأله برای پاک ماندن دلهاش شما و زنان مناسب‌تر است.»

• (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَذْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يَدْتَبِّهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يَعْرَفْنَ فَلَا يَؤْذَنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا)^۱

ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزند مهربان است.

در این آیه که به آیه «جلباب» معروف است، فلسفه حجاب را امنیت اجتماعی زنان بر شمرده، می‌فرماید: رعایت این دستور اسلامی برای این که به ایمان و پاکدامنی شناخته شوند و مورد اذیت واقع نشوند مناسب‌تر است.

بنابراین، دانسته می‌شود که حجاب نشانه شناسایی است نه عامل دوری از جامعه. این آیه نمی‌گوید حجاب برای آن است که زنان شناخته نشوند، بلکه می‌گوید برای آن است که شناخته شوند؛ یعنی دیگران آنها را به پاکدامنی و عفت بشناسند و متعرض آنان نشوند. در آیه (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ

^۱. سوره احزاب آیه ۵۹.

بِزِينَهٖ وَأَنْ يَسْتَعْفِفُنَّ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيهِمْ^۱ برخی از محدودیت‌ها از زنان مسن، که دیگر مورد رغبت و تمایل جنسی مردان نبوده و امیدی برای ازدواج ندارند، برداشته شده به آنان اجازه داده شده است، لباس خود فروگذارند، در حالی که اگر همانان نیز به عفت و پاکدامنی بگروند برایشان بهتر خواهد بود. این آیه به خوبی دلالت دارد که بر زنان غیر یائسه جایز نیست لباس خود را فرو گذارند و بدن و زیور آلات خود را به نامحرمان نمایش دهند.

فلسفه حجاب

با تأمل در حکمت تشریع حکم حجاب – که به تصریح آیات قرآن و احادیث، ایجاد امنیت روانی و حفظ سلامت اخلاقی جامعه و ارزش گذاری عفاف و حیاست – گوناگونی مراتب احکام حجاب به خوبی قابل تحلیل است. تأکید قرآن و احادیث و متون فقهی بر اکتساب و تقویت ملکه عفت و تقوا، ضرورت رعایت حیا و عفاف در مناسبات زن و مرد غیرمحرم، و حرمت برخی امور (همچون قرارگرفتن زن و مرد غیرمحرم در یک محیط بدون امکان ورود شخص دیگر، نهی شدید از چشم‌چرانی مردان، وجوب سترا برای زن در برابر غیرمحرم و پرهیز او از هرگونه رفتار تحریک آمیز در محیط جامعه از قبیل تبرّج یا سخن‌گفتن مهیج) بیانگر ارتباط وثيق عفاف و حیا با حجاب است.

در اینجا به بیان برخی از حکمت‌های این حکم الهی می‌پردازیم:

- پایداری خانواده: حجاب یکی از عوامل مؤثر در حفظ کیان خانواده است و به دلیل آن که خانواده هسته مرکزی اجتماع به حساب می‌آید، تأثیر این عامل را باید در نهایت به نفع اجتماع نیز دانست. اگر حجاب با کیفیت خاص خود در خانواده برقرار باشد و زن به جز مرد خود به کسی نگاه نکند و تمام توجهش به مردش باشد؛ عشق و محبت خود را در او خلاصه خواهد کرد و مرد هم اگر این طور باشد؛ زندگیشان بسیار شیرین و با صفا خواهد شد. آزادی بی قید و بند زن در خودنمایی و تحریک مردان بیگانه با حجاب محدود می‌شود و این خودنمایی و تحریک از خارج به داخل خانه انتقال می‌یابد و در راه همسر و ارضای نیازهای او به کار گرفته می‌شود که در نهایت، تحکیم هرچه بیشتر بنیان روابط زناشویی را به همراه خواهد داشت. احساس

^۱- سوره نور آیه ۶۰.

نیاز به جلب نظر و جلوه‌گری آنگاه که در خارج از خانه کاملاً پاسخ داده شود، جایی برای ارضای آن در درون خانه و برای همسر نخواهد ماند و این سردی ارتباطات همسری را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، زنی که تمام دل مشغولی او خارج از خانه است، در رابطه با فرزندان نیز عنصر موفقی نخواهد بود.

- امکان سقوط اخلاقی زن: خودنمایی زنان در برابر بیگانگان در نهایت، امکان سقوط اخلاقی زن را افزایش خواهد داد؛ زیرا هر اندازه زن در برابر مردان بیگانه بیشتر جذاب و چشم‌گیر جلوه نماید، خواستها و تمجیدها و پیشنهادهای هوسرانان را به سوی خود افزایش خواهد داد.
- حجاب مصونیت است نه محدودیت: از نظر اسلام، حجاب وسیله‌ای است برای صیانت از زن و ارتقای شان و شخصیت اوست لذا اگر حجاب رعایت نشود علاوه بر سقوط اخلاقی زن، باید سقوط اخلاقی مردان در دام مزاحمت‌های خیابانی، هرزگی‌ها و نظایر آن را نیز از پیامدهای آن به حساب آورد. چه بسیار مردانی که در محیط بی‌حجاب به ورطه بی‌بند و باری اخلاقی کشیده شده اند.
- عامل انحراف جنسی: اگر روابط جنسی نامشروع را بررسی کنیم، بدون شک عامل خودنمایی و جلوه‌گری زنان از مهم‌ترین عوامل آن بشمار می‌آید. بدون شک زنان می‌توانند با رعایت پوشش مناسب و حریم نگه داشتن در روابط اجتماعی خود در این خصوص نقش مهمی را ایفا کنند.

تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد

از دیدگاه اسلام، انسان به عنوان یکی از مخلوقات و عضو شاخص عالم خلقت است، و به زیباترین صورت آفریده شده و آنچه که لازمه وجودی او بوده است خدای متعال به او داده و ارزانی داشته است:

«لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»^۱. و او را چه زن و چه مرد به نیکوترين و بهترین وجه به تصویر کشیده است و نقصی در آفرینش آنها نیست. «و صورکم فأحسن صورکم»^۲ بنابراین سخن از تساوی و تفاوت زن و مرد، صحبتی است نا آگاهانه و مقایسه این دو نشان از عدم شناخت و فهم صحیح از آفرینش و نظام خلقت جهان است، در حقیقت آنچه را که خداوند متعال آفریده است، زیبائی و جمال و جلال است، و تفاوت ها لازمه‌ی آفرینش آنها است؛ بلکه اساساً تفاوت‌ها زیباییها را نمایان می‌کند چرا که اگر تفاوت‌ها نبود رنگ و بوهای متفاوت مخلوقات که مظهر زیبایی هستند نمایان نمی‌گشت.

باید گفت تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد انکارناپذیر است، هرچند ممکن است در میزان این تفاوت‌ها و میزان تأثیرگذاری آنها در نحوه تنظیم قواعد و مقررات حاکم بر آنها اتفاق نظر نباشد. آنچه مسلم است این که این تفاوت‌ها به حدی است که می‌تواند بسیاری از تفاوت‌های موجود در احکام زن و مرد را توجیه کند.

اما این تفاوت‌ها به هیچ وجه به این که مرد یا زن جنس برتر است و دیگری جنس پایین‌تر و پست‌تر و ناقص‌تر، مربوط نمی‌شود، قانون خلقت از این تفاوت‌ها منظور دیگری داشته است. قانون خلقت تفاوت‌های زن و مرد را به منظوری شبیه منظور اختلافات میان اعضای یک بدن ایجاد کرده است... در دنیای جدید در پرتو مطالعات عمیق پژوهشکی، روانی، اجتماعی، تفاوت‌های بیشتر و فراوان‌تری میان زن و مرد کشف کرده است که در دنیای قدیم به هیچ وجه به آن پی نبرده بودند.

حکمت برخی از تفاوت‌ها در نظام حقوقی اسلام

اسلام برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق و مجازات و وظیفه قائل نشده است، بلکه در بعضی موارد برخی از حقوق، تکالیف و مجازات‌ها را برای مرد مناسب دانسته و بعضی را برای زن، در برخی موارد وضع مشابه و یکنواخت و در موارد دیگر وضع نامشابه یعنی عدم یکنواخت بودن را در نظر گرفته است. این نوع اختلاف و تفاوت به طور کلی، نه تنها به معنای توهین و تحیر بر زن نمی‌باشد، بلکه بر عکس برای حفظ حرمت و شخصیت او است، زیرا وظایف او را مطابق با ساختار جسمی و وضع روحی‌اش معین می‌نماید. بر همین اساس اسلام در اصل خلقت و آفرینش، هیچ امتیازی بین زن و مرد

^۱- سوره تین آیه ۴.

^۲- سوره تعابن آیه ۳.

- نمی بیند، اما از نظر حقوق و وظایف یکنواخت بودن را برخلاف فطرت آفرینش هر یک از زن و مرد می-داند.

تفاوت های موجود بین زن و مرد، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی امری طبیعی است، و برای کمال آفرینش و رفع نیازمندی های نوع انسانی لازم است و چنین تفاوت هایی در میان خود مردان نیز به چشم می خورد؛ برای نمونه: همه انسان ها در اصل داشتن استعداد با هم مساوی اند، ولی در خصوصیت آن، بر اساس حکمت الهی، متفاوت از هم آفریده شده اند، تا با شکوفا شدن این استعدادهای مختلف، نیازمندی های اجتماعی انسان، در زمینه های متعدد تأمین گردد، جامعه نیازمندی های مختلف دارد، هم در زمینه مواد غذایی، هم بهداشت، هم نیروی کار و... حکمت پروردگار، ایجاد نموده است که برای تأمین این نیازمندی ها، انسان ها را با استعدادهای گوناگون بیافریند، تا با شکوفا شدن این استعدادها، نیازهای جامعه برآورده گردد. برهمنی اساس در یکی استعداد دکتر شدن، در دیگری استعداد کشاورزی یا مهندسی و... بیشتر وجود دارد و هر کدام بر اساس استعدادس که دارد به انجام کار مورد علاقه خود می پردازد و به همین مقدار نیازهای اجتماعی برآورده می شوند.

همانگونه که تفاوت، در ویژگی ها و استعدادها، مایه برتری انسان بر انسانی دیگر نمی باشد؛ آفرینش طبیعی مرد و زن نیز چنین است که در اصل انسانیت مشترکند، ولی از نظر طبیعت آفرینش، با هم تفاوت می کنند و این تفاوت در خصوصیت مرد بودن و زن بودن برای تکمیل آفرینش و رفع نیازمندی های طبیعی زندگی و کمال یافتن حیات اجتماعی است، زیرا اختلاف در خصوصیت آفرینش، بقای نسل انسان را تضمین، و زمینه ایجاد محبت در اجتماع و حرکت و تلاش به سوی کمال را فراهم می سازد. اگر غیر از این می بود جهان آفرینش ناقص می گردید و کمال اجتماعی در همین است که هم مرد باشد و هم زن، و هر کدام مشغول به وظایف مربوط به خودش باشد و نظام احسن تکوین و تشریع خداوند، اقتضای چنین طراحی و ترسیمی را از جایگاه و نقش مرد و زن داشته است. علاوه بر اختلاف جسمی، از نظر روحی نیز تفاوت هایی در آفرینش این دو جنس وجود دارد که آن هم به دلیل کمال حیات اجتماعی است.

برتری مرد بر زن

حال ممکن است گفته شود: چرا قرآن کریم در بعضی از آیات مردان را بر زنان برتری داده و می فرماید: (الرَّجُالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ)^۱; آیا این امر به کرامت زن لطمه نمی زند؟

پاسخ: قیم به کسی گفته می شود که امور مهم فرد دیگری را انجام دهد و مراد از (ما فضل الله) در آیه امتیازی طبیعی است که مردان بر زنان دارند؛ یعنی قدرت بدنی و تحمل شداید و کارهای سخت، و زندگی زنان احساسی و عاطفی است که بر نازک دلی و ظرافت مبتنی می باشد. بنابراین با توجه به تفاوت جسمی و روحی که میان زن و مرد وجود دارد، هر کدام دارای وظیفه مشخص و معینی در امور خانوادگی و اجتماعی اند که اگر وظایف مرد به زن و بالعکس داده شود یا تساوی در تمام کارها باشد، مخالف با فطرت آفرینش و برخلاف عدالت انسانی است، لذا هر کدام باید به وظیفه خود عمل کند، تا از مزایای وجودی خویش بهره مند گردد.

اسلام با رعایت همین عدالت در برخی کارهای اجتماعی که نیاز به دقت بیشتر دارد، مانند سرپرستی کانون خانواده و غیره، مرد را بر زن مقدم داشته است. در نتیجه این تقدم یا قوام بودن مرد بر زن، نه برای برتری مرد در اصل خلقت، بلکه به دلیل وظیفه طبیعی و توان مندی جسمی مرد است، چون در مسائل اجتماعی و شم اقتصادی، تلاش و کوشش برای تأمین نیازمندی های لازم و اداره زندگی را مرد بهتر می تواند به عهده بگیرد. از این لحاظ است که مهریه و نفقة زن بر عهده مرد گذاشته شده است. همانگونه که زن در امور تربیت و پرورش فرزند و مدیریت خانواده و سیراب کردن فرزندان از مهر و محبت بی نظیر است و مرد از چنین توانایی برخوردار نیست.

در دست مرد بودن طلاق

از دیگر سوال ها که ممکن است مطرح شود این است که: چرا طلاق فقط در اختیار مردان است و زنان از داشتن آن محرومند. آیا این محرومیت، به حقوق و کرامت زن لطمه ای وارد نمی کند؟

پاسخ: اولاً طلاق از منفورترین امور و مبغوض ترین حلال ها در اسلام است، چنانکه از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيْهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الظَّلَاقِ».

از این رو گاهی در زندگی خانوادگی مواردی پیش می آید که تنها راه رسیدن به آسایش مرد و زن، و رفع اختلاف آنان، جدایی و طلاق است. برای همین جهت اسلام طلاق را مشروع، ولی از مبغوض ترین حلال

^۱- سوره نساء آیه ۳۴.

ها قرار داده است و در عین حال تدابیر لازم را برای جلوگیری از شیوع طلاق در جامعه اتخاذ نموده است. ثانیاً، محرومیت زن از حق طلاق نه تنها لطمه به کرامت آنها نیست، بلکه خود این محرومیت، وسیله حفظ کرامت و حقوق زن و حفظ کانون گرم خانوادگی است.

دلیل این امر این است که، همانگونه که اشاره شد، هرچند زن و مرد در اصل خلقت مساوی اند، ولی در مزاج و نوع خلقت با هم متفاوت آفریده شده‌اند و همانگونه که از نظر جسم متفاوتند از نظر نوع صفات روحی نیز متفاوت خلق شده‌اند و این تفاوت برای ادای وظیفه است که به عهده هر یک از زن و مرد گذاشته شده است. بر این اساس وظیفه زن، مادری است؛ یعنی انتقال مهر و عاطفه بر فرزندان. از همین رو زن بیشتر با احساسات و عواطف آفریده شده تا عاطفه را به فرزندان منتقل کند و اگر این وظیفه درست انجام نشود اختلال در تکامل اجتماع انسانی به وجود می‌آید.

دانشمندان علم اجتماع و روان‌شناسان معتقدند که اخلاق زن و مرد به کلی با هم متفاوت است؛ زنان به زود رنجی و متأثرشدن از چیزهای کوچک عادت دارند، ولی گذشت مردان در همه امور بیشتر است.

بنابراین اگر اختیار طلاق به دست زنان می‌بود با کوچک ترین مسئله‌ای ممکن بود به طلاق اقدام نموده و با از هم پاشیدن کانون گرم خانواده موجب سلب آسایش خود و دیگران می‌شدند، در نتیجه هم کرامت خود را پایمال می‌کردند و هم به حقوق اساسی خود لطمه می‌زدند، زیرا در مسئله طلاق بیشترین صدمه بر کرامت، حقوق و ارزش خود زنان وارد می‌شد. اما در مقابل چون مردان از صبر و حوصله بیشتری برخوردارند و در آنها تعقل بر عواطف غلبه دارد و با اندک مسئله‌ای به فکر جدایی نمی‌افتد، لذا شارع مقدس که تمام احکام را بر اساس مصالح و مفاسد نوعی وضع نموده است، اختیار طلاق را به دست مردان قرار داده است. البته اسلام این مسئله را نادیده نگرفته است که با انحصار طلاق به دست مردان، ممکن است عسر و حرج در زندگی برحی از زنان به وجود آید. بر این اساس در مواردی که لازم باشد برای زن حق فسخ نکاح را از طریق بذل مهر یا اموال دیگر قرار داده است که در فقه اسلامی به طلاق خلع یاد می‌گردد و نیز در صورت لزوم، زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند که با ثابت شدن عسر و حرج، حاکم شرع اقدام به طلاق زن می‌کند. هم چنین در مواردی که شوهر نتواند نفقه و وسائل آسایش ضروری زن را فراهم کند، او می‌تواند از طریق مراجعه به حاکم شرع مرد را مجبور به پرداخت نفقه یا طلاق نماید.

در باب طلاق هم اگر درست بنگریم، برای زن و شوهر هر دو حقوقی در نظر گرفته شده است. ازدواج در حقیقت نوعی قرارداد است که زن و شوهر آن را امضا می‌کنند. این قرارداد در مواردی که یکی از طرفین، به شرایط آن عمل نکند، قانوناً نافذ نخواهد بود و اعتبار خود را از دست می‌دهد. قرآن، درست هنگامی که

عقد زناشویی به این مرحله از تزلزل برسد و تداوم زندگی مشترک ممکن نباشد، موضوع طلاق را (آن هم با شرایط عادلانه و در چند مرحله) مطرح می سازد.

تفاوت ارث زن با مرد

از جمله اشکالاتی که طرفداران برابری همه جانبه حقوق زنان با مردان مطرح می کنند، موضوع ارث زن در اسلام است؛ اینان می گویند: چرا اسلام ارث زن را که ناتوان تر از مرد است، نصف مرد قرار داده است؟ آیا این ظلم به زن نیست؟ قرآن کریم می فرماید: (لِلذَّكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ)^۱؛ برای مرد مثل سهم دو زن می باشد.

شبھه این است که تفاوت در ارث، ظلم به زنان است و این تفاوت برخاسته از نگاه تحقیرآمیز جامعه اسلامی به آنان است و به تعبیر دیگر نشانه آن است که زنان را نیمی از انسان می دانند.

پاسخ: در ابتدا باید گفت زن در میان فامیل، گاهی به عنوان مادر ارث می برد و گاهی به عنوان فرزند، گاهی همسر و زمانی به عنوان خواهر. در اغلب موارد سهم زن نصف مرد است، ولی در مواردی نیز مساوی و یا بیشتر است. مسئولیت‌های مالی مردان مثل پرداخت مهریه، نفقة زنان، دیه (در جنایت‌های خطایی) به عنوان عاقله و جهاد و هزینه‌های آن و آمادگی بیشتر مردان برای فعالیت اقتصادی و گردش سرمایه، موجب شده است تا در یک سری از حالات سهم بیشتری ببرند تا در حقیقت از این طریق چرخ اقتصاد جامعه بهتر بچرخد و هزینه زندگی مردان و زنان مربوط به آنها از راه مناسب تری تأمین گردد. در ادامه خاطر نشان می شود که توارث پدیده دیرینه‌ای است و به تاریخ حیات انسان برمی‌گردد و نیز توارث مانند دیگر سنت‌های اجتماعی دارای تحول تدریجی بوده است. چیزی که در اکثر دوره‌های کهن، انکارناپذیر است محروم ساختن زنان از ارث بوده، خواه بدان جهت که آنها را انسان نمی‌دانستند تا سهم ببرند، یا این که ارث بردن زن را به معنای انتقال ثروت خانواده به دیگری می‌دانستند، زیرا زن با ازدواج، از عضویت خانواده خارج می‌شود، یا بدان جهت که زن، مرد میدان نیست و هزینه مرد بر دوش او نیست تا سهم بر باشد و....

به این ترتیب در بسیاری از مناطق، قبل از اسلام اصلاً حق ارث برای زن‌ها قائل نبودند.

اسلام با ظهور خود بر این سنت‌ها خط بطلان کشید و زن را مانند مردان مستحق ارث دانست. در قانون اسلام زن و مرد بر اساس موقعیت خود در خانواده ارث می‌برند، ملاک ارث انوثیت و ذکوریت نبوده است، بلکه با توجه به این که مهریه و نفقة بر عهده مردان است و نیز جهاد و هزینه جنگ و نیز دیه عاقله بر عهده مردان است، بدین جهات تفاوت در ارث زن و مرد وجود دارد. با این حساب هر چند از نظر ظاهر

^۱- سوره نساء آیه ۱۱.

ارث مرد دو برابر زن است، اما با دقیقی بیشتر روشن می‌شود که از یک نظر اirth زنان دو برابر مردان می‌باشد، زیرا وظایفی را که به عهده مردان گذاشته است، نیمی از درآمد آنان در عمل خرج زنان می‌شود، در حالی که بر عهده زنان چیزی گذاشته نشده است. مرد باید هزینه زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او از مسکن، خوراک، لباس و سایر لوازم پردازد و هزینه زندگی فرزندان خردسال نیز به عهده مرد است، در حالی که زنان از هرگونه پرداخت هزینه‌ای حتی برای خودشان معاف می‌باشند. بنابراین یک زن می‌تواند تمام سهم اirth خود را پس انداز کند، در حالی که مرد ناچار است آن را برای خود و همسر و فرزندان خرج کند و نتیجه عملی اش این می‌شود که نیمی از درآمد مرد برای زن خرج می‌شود و نیمی برای خودش، در حالی که سهم زن همچنان به حال خود باقی می‌ماند.

در روایاتی که از معصومین (ع) به دست ما رسیده است به عواملی در مورد اirth زن‌ها اشاره شده است. در روایتی که از امام رضا (ع) در جواب سؤال محمد بن سنان نقل شده است، امام (ع) در مورد این که به چه دلیل زن‌ها نصف سهم مردان اirth می‌برند، می‌فرماید:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَدَتْ وَ الرَّجُلُ يُعْطِي فَلِذَلِكَ وُفْرَ عَلَى الرِّجَالِ».

در این روایت به مسئله مهریه که زن‌ها می‌گیرند و مردها باید پردازند، اشاره شده است.

در روایتی دیگر از امام صادق نقل شده که فرمود:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ لَهَا عَاقِلَةً وَ لَا عَلَيْهَا نَفَقَةٌ وَ لَا جِهَادٌ وَ عَدَدُ أُشْيَاءِ غَيْرِ هَذَا وَ هَذَا عَلَى الرَّجُلِ فَلِذَلِكَ جُعِلَ لَهُ سَهْمَانٍ وَ لَهَا سَهْمٌ».

در نتیجه باید گفت:

الف. جهاد بر مردان واجب است نه بر زن‌ها و این خود موجب هزینه‌های لازم می‌باشد؛

ب. بر زنان نفقه کسی واجب نیست، ولی بر مردان نفقه خود زن واجب است؛

ج. مردان وظیفه دارند که مخارج خانواده و فرزندان را تأمین و وسائل آسایش ضروری آنها را فراهم کنند؛

د. مردان باید به زنان مهریه پردازند و زنان مهریه را از مردان دریافت می‌کنند.

با توجه به موارد فوق، سهم اirth زن‌ها نصف سهم مردان قرار داده شده است که اگر دقت شود نه تنها چیزی از حق زن‌ها کم نشده است، بلکه مطابق وظیفه ای که زن‌ها دارند، اسلام بالاترین حق را برای آنها منظور کرده است.

به عنوان مثال در قانون ارث اگرچه در ظاهر، یک نوع نابرابری دیده می‌شود اما وجوه نفعه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می‌شویم که زن‌ها می‌توانند آن چه به ارث می‌برند را در ملک شخصی خود نگه دارند؛ ولی مردّها موظفند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی زن و فرزند خود استفاده کنند. در این صورت به نظر می‌رسد در نهایت زنان بهره بیش تری از مردان ببرند.

فقهای اسلام، از تفاوتی که در سهم الارث زن و مرد وجود دارد و مرد دو برابر زن ارث می‌برد، بدین صورت دفاع کرده اند که این امر نه تنها تضییع حقی نسبت به زنان نیست، بلکه امتیازی هم برای آنان محسوب می‌شود. می‌دانیم که در نظام اجتماعی اسلام، به طور کلی مرد مسؤول پرداخت هزینه خانواده از هر قبیل است. در حالی که مسؤولیت و مدیریت زن در خانواده نسبت به اموری است که برای او مستلزم هزینه‌ای نیست، بدین ترتیب ثروت و در آمد او مانند مرد، صرف مخارج خانواده نمی‌شود. حال اگر، بیش تر از او ارث می‌برد، هرگز به خاطر برتری مرد نسبت به زن نمی‌باشد، بلکه به علت مخارج بیشتری است که اجبارا مرد در زندگی بر عهده دارد.

شهادت زن در اسلام

شبهه افکنی در احکام مبین اسلام هر چند وقت یک بار با اهداف مختلف از جمله سنجیدن حساسیت‌های مذهبی مردم، صورت می‌گیرد. در برخی رسانه‌ها در مورد مساوی نبودن شهادت زن و مرد در اسلام و تبعیض جنسی خواندن آن اشاره می‌کنیم.

باید گفت زن دارای خصلت‌های مخصوصی است که از مردان ممتاز می‌گردد و همین خصلت‌ها که ناشی از امر غریزی و فطری است، سبب شده که امور زندگانی میان مردان و زنان تقسیم گردد، که دخالت هر یک در کارهای دیگری سبب اختلال نظم اجتماعی می‌گردد. وظیفه اصلی زن شوهرداری، تربیت فرزندان و گرم نگه داشتن کانون خانواده‌ها است، بنابراین:

۱. وظیفه زن در موارد غیر ضروری دخالت در کارهای بیرونی نیست. بر همین اساس از وظایف بیرون کمتر آگاهی دارند.

۲. دقت زن‌ها در چنین اموری کمتر و سرعت قبولشان در اثر غلبه احساسات، بیشتر است، لذا احتمال خطای تعمد برخلاف واقع، در زن‌ها بیشتر وجود دارد.

۳. اسلام در تمام موارد حقوق، سعی بر دقت در مسائل دارد تا حقوق کسی پایمال نگردد.

۴. در برخی موارد مانند شهادت به زنا، دقت و موشکافی شاهد را می طلب که در چنین موضوعات، موشکافی و بیان خصوصیات با روحیات و مصالح اخلاقی و اجتماعی زنان ناسازگار است.

۵. در مورد زن شهادت دهنده به ویژه در اعمال منافی عفت، همیشه این امکان وجود دارد که خود آن زن مورد تهمت قرار بگیرد.

بر اساس ملاحظه موارد فوق و در نظر داشت مصلحت و کرامت خود زن، اسلام در برخی موارد آنها را از دادن شهادت منع و در پاره ای موارد دیگر، همراه فردی دیگر، اجازه شهادت داده است.

مرجعیت و زنان

عنایت ویژه به مسائل زنان، معظم له در نقش آفرینی زنان که نیمی از جمعیت کشور یا حتی می‌توان گفت که بیش از نصف جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند در ساختن عراق جدید را لازم و ضروری می‌دانند و نباید این پتانسیل از فعالیت و سازندگی کشور باز بماند ایشان در اختصاص دادن وزارت خاص مسائل زنان را از دولت خواستار شدند و حتی به قانون حاکم که فقط یک چهارم کرسی‌های مجلس پارلمان عراق را به زنان اختصاص داده اعتراض خود را علنی ساخته و خواستار حاکمیت رای ملت در انتخاب افراد شایسته از بین کاندیداها شدند و محدودیتی از این حیث قائل نشوند.

ایشان در حمایت همه جانبه از زنان در همه حوزه‌ها را در برنامه فعالیت‌های خود دارند بخصوص در مسئله حوزه علمیه ویژه خانم‌ها که بتوانند دروس حوزوی را در آنجا فرا گیرند و در همین راستا حوزه علمیه جامه‌الزهرا س را تاسیس کردند و تا کنون شعبه‌هایی از آن را در بیشتر استانهای عراق را دایر کردند که زیر نظر جامعه الصدر به فعالیت‌های خود رسیدگی می‌کند و بحمدالله تا کنون برخی از طلاب این حوزه به مرحله تحصیل در سطح لمعه دمشقیه که مرحله بسیار مناسبی در مراحل حوزه علمیه است، در حال تحصیل می‌باشند.

همچنین ایشان مرکز انجمن زنان المصطفی ص را تاسیس کردند تا زنان بتوانند از این رهگذر به خواسته‌های خود و مطالباتی که دارند رسیدگی شود معظم له از گروه خانم‌هایی که از این مرکز به دیدار ایشان مشرف می‌شوند رهنمودهای لازم را یاد آوری می‌کنند و نیز به صحبت‌های آنان به نمایندگی از دیگر زنان جامعه گوش میدهند و از مشکلات آنها و از راه حل‌هایی که پیشنهاد می‌شود اطلاع لازم را کسب می‌کنند تا بتوان برای رفع آنها سعی و تلاش لازم را انجام داد.

معظم له فعالیت‌هایی را در حوزه زنان از جمله سخنرانی و بیانیه و نیز کتاب‌هایی را در این باره منتشر کردند تا گامی باشد در حل مشکلات امروز زنان جامعه که به بندگی و اسارت مدرن رو آوردن و گرفتار در منجلاب فرهنگ غرب شدند در این فعالیت‌ها سعی شده که زن را از این اسارت آزاد کرده و به هویت اصیل و فرهنگ اسلامی خود باز گردد و نیز در مقابل هجمه‌های فرهنگی از سوی غرب با تمام قدرت ایستاد و از احکام اسلامی ویژه زنان و حکمت وضع آنها که مورد حمله شدید قرار گرفته بود و زنان را به این مسائل سوق می‌دادند و تبعیض جنسی را تبلیغ می‌کردند و زنان را از این حالت متفرق می‌ساختند را یاد آور شوند ایشان شباهات را پاسخ میدادند و از قداستی که اسلام برای جنس زن قائل است را مورد تاکید قرار میداد و از شبیخون فرهنگی علیه اسلام از سوی غرب را دائماً یاد آور می‌شدند و زنان را از به دام افتادن بر حذر می‌کردند.

سخن در این باره بسیار است و مجالی برای ذکر همه آنها نمی‌باشد اما برای آگاهی بیشتر می‌توان به کتابهای معظم له در این خصوص از جمله (فلسفه تشریفات المرأة) و (دور المرأة في بناء عراق الجديد) و (سلسلة خطاب المرأة) و (فقه العائلة) و (الحوزة و قضايا الشباب) و (فقه الجامعات) و (سلسلة نحو مجتمع نظيف) و (سلسلة ظواهر اجتماعية منحرفة) و دیگر کتابها مراجعه کرد.

نصایح

[زنان] لازم است از درس‌ها و مفاهیم مثبت و موعظه‌هایی که در قرآن است بهره‌مند شوند و از گنج‌های نهفته آن در راستای ثبات و استقامت در راه ایمان و اعتقادات و اخلاق، در مقابل گمراهی‌ها و شهوات و مبارزه با ظلم و طغیان و دیگر اهداف بلند استفاده کنند.

باید به مفاهیم برداشت شده از قرآن در زمینه‌های مختلف معرفتی توجه کنند و سخنرانی‌های دینی هم باید حاوی این مفاهیم بلند باشند تا به دانشجویان انگیزه دهد و همت بلند را در جان آنان تزریق کند و در ساختن انسان و جامعه صالح و آبادانی سرزمین و محیطی که بتوان در آن استعدادها در زمینه‌های مختلف رشد و بالنده و شکوفا شود کمک کند.